

آسیب‌شناسی ارزیابی اجرای قانون

بررسی موردی ارزیابی‌های انجام شده توسط

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم

کد موضوعی: ۳۲۰

شماره مسلسل: ۱۲۴۵۰

دفتر: گروه مطالعات محیط کسب‌وکار

تیرماه ۱۳۹۱

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	۱. تعریف ارزیابی تأثیرات مقررات (یا قانون)
۶	۲. انواع ارزیابی تأثیرات مقررات (یا قانون)
۷	۱-۲. ارزیابی معطوف به آینده یا پیشینی
۱۳	۲-۲. ارزیابی معطوف به گذشته یا پسینی
۱۶	۲-۳. جایگاه ارزیابی اجرای قانون در ارزیابی تأثیرات قانون
۲۱	۳. بررسی گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها در خصوص ارزیابی اجرای قانون
۲۱	۱-۳. مروری بر محتوای گزارش‌ها
۳۲	۲-۳. ویژگی‌های ارزیابی اجرای قانون در گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها
۳۳	۴. اطلاعات و منابع اطلاعاتی به‌مثابه پیش‌نیاز ارزیابی اجرای قانون
۳۳	۱-۴. نقش بنیادین اطلاعات و منابع اطلاعاتی در ارزیابی تأثیرات قانون
۳۴	۲-۴. مزیت دولت در دسترسی به منابع و بانک‌های اطلاعاتی
۳۵	۳-۴. نمونه‌ای از ضرورت دسترسی به منابع اطلاعاتی برای ارزیابی اجرای قانون
۳۸	۴-۴. راهکارهای مجلس برای تأمین اطلاعات به‌نحو مستقل از دولت
۴۰	۵-۴. راهکارهایی برای ارزیابی بهتر اجرای قانون
۴۳	منابع و مآخذ



آسیب‌شناسی ارزیابی اجرای قانون
بررسی موردی ارزیابی‌های انجام شده توسط مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم

چکیده

امروزه اهمیت «ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری» (RIA) بر هیچ‌کس پوشیده نیست. اگر قرار است مقرراتگذاران، اعم از مجلس و دولت، مفادی وضع کنند که قادر به تمشیت امور متنوع اقتصادی اجتماعی و... باشد، باید از ابزارهایی برای ارزیابی واقع‌بینانه اوضاع و احوال جاری، تأثیرات محتمل مقررات وضع شده بر اوضاع و احوال و همچنین تأثیرات واقعی بر اوضاع و احوال پس از اجرای مقررات آگاه باشند. درواقع جدی گرفتن رویه ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری، پیش‌نیاز قانونگذاری آگاهانه و مدبرانه است.

ازسوی دیگر، قوانین به تصویب می‌رسند تا اجرا شوند. پایش کیفیت اجرای قوانین، جزئی از عملکرد اساسی قوای مقننه محسوب می‌شود که به کارکرد «نظارتی» مشهور شده است. گام نخست این نوشتار توضیح و تبیین این نکته است که ارزیابی اجرای قانون، جزئی از ارزیابی تأثیرات قانون محسوب می‌شود. این تبیین به وسیله توضیح تعاریف و در بخش دوم با ارائه انواع ارزیابی تأثیرات و تأکید بر وابستگی مقابل مراحل مختلف این ارزیابی صورت گرفته است. در بخش سوم نوشتار، به ارزیابی اجمالی گزارش‌های تهیه شده در مرکز پژوهش‌ها در دوره هشتم راجع به ارزیابی اجرای قوانین توسط دولت پرداخته شده است. با توجه به محتوای گزارش‌های مذکور بر ویژگی‌هایی مشترک در نوع ارزیابی تأکید شده که مهمترین آنها، نقش منابع و بانک‌های اطلاعاتی برای ارزیابی مؤثر محسوب شده است. در آخر، توصیه‌هایی برای نظارت مؤثرتر بر اجرای قوانین با توجه به وضعیت جاری ارائه شده است. محور این توصیه‌ها، پیگیری اصلاح نظام آماري و همچنین تأسیس نهاد ارزیابی تأثیرات قانون به‌طور کلی، بالاخص، ارزیابی اجرای قانون است.

مقدمه

قانونگذاری نیز همچون دیگر اعمال حکومتی، از فرآیندهای پیچیده و ظریفی تشکیل شده و از ابعاد مختلف قابل بررسی و مطالعه است. از جمله این ابعاد، فرآیند انجام ارزیابی‌هایی است که قانونگذار باید قبل و بعد از قانونگذاری به انجام آن متعهد باشد؛ چراکه از این طریق است که قانونگذار می‌تواند با ارزیابی اوضاع و احوال موجود و همچنین ارزیابی وضعیت پس از اجرای قانون، به نحو واقع‌بینانه اقدام به وضع قانون کند. در واقع، ارزیابی تأثیرات قانون، مجاری ارتباط قانونگذار با دنیای واقعیت است.

آنچه در این نوشتار به‌طور خاص بررسی خواهد شد، ارزیابی در قانونگذاری با تأکید بر «ارزیابی اجرای قانون» است. ارزیابی و نظارت بر اجرای قانون توسط قوه مقننه، در واقع جزئی از فرآیند تقنین محسوب می‌شود. توضیح اینکه سه مرحله در فرآیند قانونگذاری از یکدیگر قابل تفکیک است؛^۱ این سه مرحله عبارتند از:

نخست، مرحله پیش‌قانونگذاری: مشتمل است بر تهیه پیش‌نویس و آماده کردن خلاصه‌ای از اطلاعات راجع به مسئله و راه‌حل پیشنهادی، به ضمیمه تحلیلی از مزایای راه‌حل پیشنهادی در مقایسه با دیگر گزینه‌ها و هزینه‌های آن.

دوم، مرحله قانونگذاری: این مرحله شامل برگزاری جلسات کارشناسی، ایجاد کمیسیون‌های ویژه (و در صورت ضرورت کمیته‌های فرعی)، برگزاری نشست‌های اولیه در کمیسیون‌ها، ارائه توصیه‌های کمیسیونی در ضمن گزارش‌های ویژه و زمان‌بندی مذاکرات در حین بحث و بررسی لایحه در صحن و تشریفات مربوط به رسیدگی و تصویب لایحه در صحن علنی است.

سوم، مرحله پس‌قانونگذاری: مشتمل است بر ایجاد نهادی برای تضمین یا تنفیذ مصوبه بلافاصله پس از تصویب پارلمان و پیش از امضا یا وتوی آن توسط قوه مجریه و حتی تضمین یا تنفیذ مصوبه توسط یک دیوان قضایی که باید انسجام و سازگاری و نیز مطابقت آن با قانون اساسی را کنترل کند. همچنین مبحث مربوط به انتشار قانون در این مرحله مورد توجه قرار می‌گیرد.

از منظری دیگر، قانونگذاری را می‌توان از دو رویکرد «خطی» و «سیستمی» مورد توجه قرار داد. در رویکرد خطی، قانونگذاری از یک نقطه آغاز و در یک نقطه به پایان خواهد رسید. در واقع در این طرز تلقی از قانونگذاری، کار قانونگذار با تصویب و ابلاغ مصوبه به دولت پایان می‌یابد و

۱. ایمر بی. فلورز، «در جستجوی فلسفه قانونگذاری: مشروطه‌خواهی/ قانونگرایی»، در: حسن و کیلیان (تألیف و ترجمه)، *گفتارهایی در قانون و قانونگذاری*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، صص ۲۲-۲۳.



مرحله اجرای قانون برعهده قوه مجریه است، اما در رویکرد سیستمی به قانونگذاری، تقنین، «فرآیند به هم پیوسته و مرتبط» شمرده می‌شود. در این رویکرد «فرآیند قانونگذاری، یک چرخه تکامل یابنده است که تعامل و ارتباط آگاهانه هریک از بخش‌های این فرآیند در گام نخست، زمینه کسب اطلاع از نقایص و خطاها را به وجود می‌آورد و در گام بعدی امکان جبران خطاها و اصلاح آنها را فراهم می‌کند»^۱. در این رویکرد، وظیفه قانونگذار با تصویب و ابلاغ قانون پایان نمی‌یابد، بلکه اجرای قانون توسط قوه مجریه نیز جزئی از فرآیند سیستمی و به هم پیوسته تقنین شمرده می‌شود و مقنن، «ضمن تعقیب نحوه اجرای قانون از سوی دستگاه مربوطه و مقامات مسئول، آن را تا مرحله رسیدن به هدف تقنینی دنبال می‌کند»^۲.

با این اوصاف، در رویکردی کلی، ارزیابی اجرای قانون نیز جزئی از فرآیند تقنینی شمرده می‌شود. توضیح بیشتر اینکه در واقع می‌توان گفت میان قانونگذاری و نظارت پارلمانی ارتباطی همه‌جانبه وجود دارد. چنان‌که یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد، در تبیین کارکردهای پارلمان نباید میان قانونگذاری و نظارت پارلمانی قائل به تضاد شویم، چراکه «نظارت تقنینی، روش دیگری برای کنترل دولت از طریق پارلمان» است.^۳ دامنه این نظارت پارلمانی، شامل طیف گسترده‌ای از رویه‌هاست که از اصلاح و تغییر مفاد لایحه تقدیمی دولت به پارلمان، تا ارزیابی و پایش اجرای مصوبه توسط دولت و بازخواست و توضیح از دولت راجع به کیفیت اجرای مصوبه را در بر می‌گیرد. با وجود این، ادبیات ارزیابی تأثیرات قانون، عمدتاً مختص به مرحله پیش‌قانونگذاری است. بدین ترتیب، یکی از بهترین طرق توضیح ارزیابی اجرای قانون، ارائه تحلیلی از ارزیابی تأثیرات پیشینی است که در این نوشتار بدان پرداخته خواهد شد.

یکی از اهداف این بررسی، آسیب‌شناسی ارزیابی اجرای قوانین با تأکید بر گزارش‌های تدوین شده در این خصوص در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم قانونگذاری است. برای نائل شدن به این منظور، ابتدا به نحو اجمالی انواع ارزیابی تأثیرات قوانین را تبیین خواهیم کرد و از این طریق، معنای دقیق ارزیابی مورد بررسی در این نوشتار را شرح خواهیم داد. در گفتار دیگر، به بررسی چند گزارش منتخب مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم تقنینی راجع به عملکرد دولت در اجرای قوانین مصوب می‌پردازیم و نکات ضعف و قوت گزارش‌های مذکور را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در نتیجه، پیشنهادهایی برای عملکرد مؤثرتر مرکز پژوهش‌ها در ارزیابی اجرای قانون ارائه خواهیم کرد.

۱. ر.ک: حسن وکیلان، «راهکارهای اعمال نظارت بر اجرای قوانین»، پیشین، صص ۳۴۲-۳۴۳.

۲. همان، ص ۳۴۳.

۳. کوئن جی. مویل، «ارتقای کارآمدی رویه‌های تقنینی پارلمان»، در: وکیلان، پیشین، ص ۲۷۹.

۱. تعریف ارزیابی تأثیرات مقررات (یا قانون)

اصطلاح «ارزیابی تأثیرات»^۱ اغلب راجع به «مقررات» و «مقرراتگذاری» به کار رفته است و به کارگیری آن برای «قانون» نیازمند توضیح است. به همین ترتیب، عبارات‌های «ارزیابی آثار» یا «ارزیابی تأثیرات» مقررات، مقرراتگذاری، قانون یا قانونگذاری، به معانی مختلفی به کار رفته و همین امر، ارائه تعریفی کامل از آن را دشوار می‌سازد. در ابتدای نوشتار، به توضیح نکاتی راجع به دو مقوله گفته شده می‌پردازیم.

تعریف دقیق و مورد توافقی برای واژه «Regulation» وجود ندارد. با این حال می‌توان این مفهوم را به طور کلی «به‌عنوان اقدامی حکومتی در جهت تأثیر بر رفتار فردی و گروهی تعریف کرد».^۲ مقرراتگذاری هم‌طراز با سیاست مالی (وضع مالیات و دخل و خرج دولت)، مهمترین ابزار سیاستی است که دولت می‌تواند با استفاده از آن بر پیامدهای بازار اثر بگذارد. در این تعریف موسع، «Regulation» مرادف با «تنظیم و اجرای قواعد از طریق شکلی از کنش جمعی» دانسته شده است؛ «چنین قواعدی که بخش ضروری از زندگی اجتماعی و اقتصادی هستند، به افراد و سازمان‌ها اجازه می‌دهند تا در رفتار با یکدیگر، به هماهنگی برسند».^۳ در «لغتنامه نیوپالگریو اقتصاد و حقوق» نیز در تعریفی بسیار کلی، «Regulation» «... وضع کنترل‌های اقتصادی توسط نهادهای حکومتی بر (معمولاً) بنگاه‌های خصوصی» تعریف شده است.^۴

با دقت در تعاریف پیش‌گفته می‌توان دریافت «Regulation» در معنایی عام و گسترده، به هرگونه «مداخله» و عملکرد «تنظیمی» حکومت که اقتصاد را متأثر سازد - اعم از سیاستگذاری‌های کلان و خرد مربوط به تولید و توزیع کالا و خدمات، وضع مالیات، ملی کردن، خصوصی کردن و مانند اینها - اطلاق شود. به این معنی می‌توان گفت «Regulation» حلقه اتصال حقوق، اقتصاد و سیاست در بررسی نقش دولت است؛ چراکه دولت ذاتاً نهادی «مداخله‌گر» است و مطالعه جنبه‌های مختلف این مداخله، موضوع بنیادین علوم سیاسی، حقوق و اقتصاد محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد معادل «مقرراتگذاری»، معادلی دقیق‌تر از معادل «تنظیم» برای واژه «Regulation» است. مهمترین دلیل آن این است که اگر به انواع مداخله‌های دولت در امور اقتصادی، اجتماعی و سایر اینها توجه کنیم، متوجه خواهیم شد که این مداخلات «عمدتاً» از طریق

1. Regulatory Impact

۲. کالین کرکپاتریک، «اصول ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری و رهنمودهایی برای اجرای مطلوب آن»، ترجمه مسعود فریادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل ۱۲۴۰۱، خردادماه ۱۳۹۱، ص ۲.

۳. کالین رابینسون و آیلین مارشال، «مقرراتگذاری در حوزه انرژی»، ترجمه سعید عطار، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل ۱۲۴۱۳، خردادماه ۱۳۹۱، ص ۲.

4. Theodore E. Keeler and Stephen E. Foreman, "Regulation and Deregulation", in Peter Newman (ed.), *The New Palgrave Dictionary of Economics and the Law*, Vol. 3, London, Macmillan, 1998, p. 213.



وضع مقررات (به معنای عام) صورت می‌گیرد. حتی سیاستگذاری‌های کلان اقتصادی از طریق اصلاح قانون اساسی یا وضع یا اصلاح قوانین عادی انجام می‌شود. بدیهی است علی‌الاصول، وضع مالیات، تعرفه‌های تجاری و... نیز از طریق گفته شده انجام می‌شود. به این دلیل به نظر می‌رسد واژه «مقرراتگذاری» می‌تواند دربر گیرنده انواع متنوع و گسترده مداخله‌های دولتی، به‌ویژه، در حوزه اقتصاد باشد.

در مقاله‌ای که درخصوص انواع مقرراتگذاری در حوزه انرژی توسط دو تن از صاحب‌نظران به نگارش درآمده است، انواع مقرراتگذاری دولت در حوزه انرژی به بخش «سیاست‌های حوزه انرژی»^۱ و «خدمات عمومی انرژی»^۲ دسته‌بندی شده و مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش سیاست‌های انرژی، مباحثی به این شرح مطرح شده است: تخصیص حقوق مالکیت در منابع داخلی (به‌ویژه تخصیص حق اکتشاف و تولید منابع عمده انرژی داخلی)؛ کنترل کاهش منابع طبیعی؛ حمایت از تولیدکنندگان داخلی؛ و تعدیل تأثیرات محیط‌زیستی در استفاده‌های مختلف از انرژی. در بخش مقرراتگذاری در حوزه خدمات عمومی انرژی، مباحث کلی مربوط به نظارت بر خدمات عمومی انرژی - عموماً دربر گیرنده شرکت‌های گاز و برق - مطرح می‌شود. مراجع، رویه‌ها و راهکارهای نظارت از طریق دولت، محورهای اصلی بحث در حوزه خدمات عمومی انرژی است.^۳ با توجه به آنچه گفته شد، این نکته قابل درک است که وجه ارتباط و اشتراک دو «سیاست‌های حوزه انرژی» و «خدمات عمومی انرژی»، مداخله دولت است که قطعاً از طریق «مقرراتگذاری» صورت می‌گیرد.

درواقع می‌توان گفت شیوه و اصول حکمرانی پذیرفته شده و جاری در نظام‌های امروزی، که رعایت اصولی همچون حاکمیت قانون، رقابت، برابری، بی‌طرفی و اولویت منافع ملی را از ضرورت‌های حکمرانی تلقی می‌کند، راهی برای دولت جز مداخله از طریق وضع قوانین عام و همچنین وضع آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی سازگار با قانون اساسی و قوانین عادی باقی نمی‌گذارد.

از منظری دیگر، در ادبیات حقوقی و مطالعات قانونگذاری، «Regulation» به معنای «مقررات» یا «مقرراتگذاری» است که البته خود شامل معنای عام و خاص است. در معنای عام، مقررات یا مقرراتگذاری توسط هریک از نهادهای حکومتی اعم از قوای سه‌گانه یا دیگر نهادهای ذیصلاح است. آنچه در ادبیات مربوط به موضوع ارزیابی تأثیرات مقررات و به‌طور کلی ادبیات مربوط به حقوق و اقتصاد، از مقررات یا مقرراتگذاری می‌شود، این معناست. در معنای خاص، «Regulation» به معنای مقررات یا وضع مقررات صرفاً توسط نهادهای قوه مجریه است،^۴ اما در ادبیات مطالعات

1. Energy Policies
2. Energy Utilities

۳. رابینسون و مارشال، پیشین، صص ۳-۶.

۴. در ادبیات حقوقی ایران، هرگاه از واژه مقررات در کنار «قانون» استفاده می‌شود، مراد همین معناست.

قانونگذاری، از آنجا که قانون مصوب پارلمان موضوع بررسی است، از «ارزیابی تأثیرات قانون» سخن گفته می‌شود؛ گرچه اصول و رویه‌های مربوط به ارزیابی تأثیرات مقررات در ارزیابی تأثیرات قانون قابل اعمال است.

بدین ترتیب می‌توان از ارزیابی تأثیرات «مقررات»، «مقرراتگذاری» و علاوه بر این «قانون»، سخن گفت. طبعاً آنگاه که از «ارزیابی تأثیرات قانون» سخن به میان می‌آید، منظور ارزیابی مصوبات پارلمان است؛ اما چنان‌که گفته شد اغلب ارزیابی تأثیرات نه فقط مصوبات پارلمان، بلکه مصوبات همه مراجع ذیصلاح مد نظر است و به همین دلیل نیز اغلب ارزیابی تأثیرات مقررات یا مقرراتگذاری مورد بحث قرار می‌گیرد.

در گام بعد، ضروری است به توضیح معنای «ارزیابی تأثیرات مقررات»^۱ پرداخته شود. چنان‌که گفته شد، از این رویه نیز تعریفی مورد توافق همگان وجود ندارد. یکی از دلایل ابهام در تعریف RIA، ابهام بیان شده در واژه «Regulation» است. با این حال، چنان‌که کرکپاتریک می‌نویسد، به‌عنوان نمونه در انگلستان، ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری به «تأثیرات گزینه‌های مد نظر برای تصویب یک مقرره از لحاظ هزینه‌ها، منافع و خطرهای آن گزینه‌ها» اطلاق می‌شود.^۲ در نمونه قابل توجه دیگر، «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه»^۳ ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری را چنین تعریف کرده است: «رویکرد تحلیلی مبتنی بر مدارک و اطلاعات نسبت به ارزیابی هزینه‌ها، پیامدها و تأثیرات جانبی احتمالی مصوبات... در هر ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری، نتایج حاصله برای بهبود کیفیت مصوبات مانند قوانین، مقررات، برنامه‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری‌های عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری اساساً ابزاری برای تشریح گزینه‌های پیش‌روی مقام تصمیم‌گیر است: گزینه‌های ممکن در اتخاذ تصمیم‌ها، تهیه یک مصوبه خاص، یا نیاز به تغییر یا لغو مصوبه جاری».^۴

۲. انواع ارزیابی تأثیرات مقررات (یا قانون)

با دقت در مطالب بیان شده می‌توان به این نکته پی‌برد که ارزیابی تأثیرات هر مصوبه (اعم از قانون یا مقررات) در قالب دو نوع ارزیابی معطوف به آینده (یا پیشینی)^۵ و ارزیابی معطوف به گذشته (یا پسینی)^۶ صورت می‌گیرد. ارزیابی معطوف به آینده، پیش از تصویب مقرره (قانون، آیین‌نامه،

1. Regulatory Impact Assessment (RIA)

۲. کرکپاتریک، پیشین، ص ۴.

3. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

۴. همان، صص ۳-۴.

5. Prospective (*ex ante*)

6. Retrospective (*ex post*)



بخشنامه یا مانند اینها) صورت می‌گیرد و هدف از آن، به‌دست آوردن تصویری روشن‌تر از آثار احتمالی یا بالقوه یک مصوبه است. به‌ویژه در مواقعی که نائل شدن به هدفی خاص مد نظر مقرراتگذار است، این ارزیابی ضرورت می‌یابد.^۱ ارزیابی معطوف به گذشته (یا پسینی) زمانی انجام می‌شود که قانون به مرحله اجرا درآمده است. در واقع هدف از این نوع ارزیابی، ارزشیابی ارزیابی انجام شده و همچنین، آگاهی از آنچه پس از اجرای قانون رخ می‌دهد و بررسی اثر واقعی قانونگذاری است.^۲

۲-۱. ارزیابی معطوف به آینده یا پیشینی

آن نوع از ارزیابی تأثیرات مقررات که در سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بیشتر مورد تأکید و توجه قرار گرفته، ارزیابی معطوف به آینده (یا پیشینی) است. چراکه با توسل به این نوع ارزیابی است که می‌توان مقدمات تصویب مصوبه‌ای مطلوب را فراهم کرد. در این نوع ارزیابی، با پیش‌بینی‌ها و محاسبات مبنی بر اطلاعات قابل اتکا، می‌توان پیش‌نویس مصوبه را در راستای اهداف مورد نظر تنظیم کرد و به تصویب رساند. نمونه‌ای از سؤالات ارزیابی تأثیرات مقررات به شرح زیر است:^۳

۱. برای مطالعه بیشتر راجع به این نوع ارزیابی تأثیرات، همچنین ر. ک.: احمد مرکزالمیری، «تأثیرات کمیّت و کیفیت مقررات بر محیط کسب‌وکار»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل ۱۲۳۱۳، اسفندماه ۱۳۹۰، صص ۱۷-۲۱.

۲. لوئیس مدر، «ارزیابی تأثیرات: به سوی ارتقای کیفی قانونگذاری»، پیشین، صص ۳۱۱-۳۱۲.

۳. مسعود فریادی، سازوکارهای حقوقی ارزیابی آثار مقرراتگذاری در نظام حقوقی ایران، تهران، معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری، اداره کل پژوهش و اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۹، صص ۶۵-۷۰. مشخصات منبع اصلی به شرح زیر است:

"Impact Assessment Guideline", European Commission, SEC. (2009) 92, 15 January, 2009.

جدول ۱. انواع آثار اقتصادی

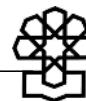
آثار وارد بر	پرسش‌های کلیدی در مورد گزینه مورد نظر برای تصویب
رقابت تجاری و جریان سرمایه‌گذاری	<p>- آیا گزینه مورد نظر بر توان رقابتی شرکت‌های داخلی و خارجی تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا جریان سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی را تشویق می‌کند؟</p> <p>- آیا گزینه پیشنهادی می‌تواند پیامدهای نامطلوب احتمالی را بر بخش کسب‌وکار ترمیم کند؟</p>
رقابت در بازار داخلی	<p>- آیا گزینه پیشنهادی بر ختم‌شدگی رقابت تجاری و بازار داخلی کشور تأثیر می‌گذارد؟ برای مثال آیا تصویب این گزینه باعث کاهش قدرت انتخاب مصرف‌کننده، افزایش قیمت به دلیل کاهش رقابت‌پذیری، کاهش توان تولیدی و خدماتی، افزایش رویه‌های انحصاری و ضدرقابتی و تجزیه بازار می‌شود؟</p>
هزینه‌های اجرایی و فعالیت بخش کسب‌وکار	<p>- آیا گزینه پیشنهادی هزینه‌های اجرای مقرره، تعدیل و دادوستد را بر بخش کسب‌وکار تحمیل می‌کند؟</p> <p>- آیا این گزینه بر هزینه‌ها یا میزان دسترسی به دروندادهای اولیه (مواد خام، انرژی، نیروی کار و...) تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا بر دسترسی به بازارهای مالی و چرخه سرمایه‌گذاری تأثیر دارد؟</p> <p>- آیا بازاریابی برخی محصولات را محدود کرده و توزیع آنها را ممنوع می‌کند؟</p> <p>- آیا قواعد سختگیرانه‌ای را بر فعالیت برخی بخش‌های خاص کسب‌وکار عمل می‌کند؟</p> <p>- آیا اجرای این گزینه منجر به تعطیلی کامل یک فعالیت تجاری خواهد شد؟</p> <p>- آیا قواعد رفتاری متمایزی را برای برخی فعالیت‌های اقتصادی ایجاد خواهد کرد؟</p>
هزینه‌های اداری بر بخش کسب‌وکار	<p>- آیا گزینه پیشنهادی هزینه‌های اضافی اداری بر بخش کسب‌وکار بار می‌کند یا باعث افزایش دیوانسالاری اداری در این حوزه می‌شود؟</p> <p>- آیا این هزینه‌ها بر فعالیت‌های اقتصادی کوچک و متوسط سنگینی می‌کند؟</p>
حقوق مالکیت	<p>- آیا گزینه پیشنهادی تأثیری بر حقوق مالکیت (اموال منقول و غیرمنقول، اموال فکری و معنوی) دارد؟</p> <p>- آیا خرید و فروش و استفاده از اموال محدود می‌شود؟</p>
پژوهش و نوآوری	<p>- آیا گزینه پیشنهادی به محدودیت یا تسهیل پژوهش و توسعه می‌انجامد؟</p> <p>- آیا خلق و کاربرد روش‌های نوین فنی و تولیدی را تسهیل می‌کند؟</p> <p>- آیا بر حقوق مالکیت فکری تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا تحقیقات دانشگاهی و صنعتی را محدود می‌کند؟</p> <p>- آیا اثربخشی و بهره‌وری را افزایش می‌دهد؟</p>
مصرف‌کنندگان	<p>- آیا گزینه پیشنهادی بر قیمت‌ها اثر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا این گزینه بر توانایی مصرف‌کننده در بهره‌مندی از بازار داخلی کشور اثر دارد؟</p> <p>- آیا بر کیفیت و کمیت کالاها و خدمات و نیز بر حق انتخاب مصرف‌کننده اثر دارد؟</p> <p>- آیا بر آگاهی مصرف‌کننده و حمایت از او اثر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا آثار مهمی بر وضعیت مالی افراد در کوتاه و بلندمدت دارد؟</p> <p>- آیا بر حمایت اقتصادی از خانواده و کودکان اثری دارد؟</p>
گروه‌ها و بخش‌های ویژه	<p>- آیا گزینه پیشنهادی تأثیر عمده‌ای بر بخش‌های ویژه مانند کارآفرینان یا افراد بیکار دارد و یا در آینده تأثیری خواهد داشت؟</p> <p>- آیا بر صنایع کوچک و متوسط تأثیری دارد؟</p>



پرسش‌های کلیدی در مورد گزینه مورد نظر برای تصویب	آثار وارد بر
- آیا گزینه پیشنهادی بر خط‌مشی تجاری کشور و تعهدات بین‌المللی آن تأثیر می‌گذارد؟ - آیا بر سیاست خارجی و روابط کشور با دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی اثر می‌گذارد؟	کشورهای خارجی و روابط بین‌المللی
- آیا گزینه پیشنهادی پیامدهای بودجه‌ای برای نهادهای عمومی در سطوح مختلف دولت در کوتاه و بلندمدت به همراه خواهد داشت؟ - آیا این گزینه مستلزم ایجاد نهادهای عمومی جدید یا بازسازی آنها خواهد بود؟	نهادهای عمومی
- آثار کلی گزینه پیشنهادی بر رشد اقتصادی و کارآفرینی چیست؟ - آیا تأثیری بر بهبود شرایط سرمایه‌گذاری و کارکرد مطلوب بازارها دارد؟ - آیا آثار مستقیم یا غیرمستقیم توری به همراه دارد؟	اقتصاد کلان

جدول ۲. انواع آثار اجتماعی

آثار وارد بر	پرسش‌های اساسی
استخدام و بازارهای کار	<p>- آیا گزینه پیشنهادی ایجاد مشاغل جدید را تسهیل می‌کند؟</p> <p>- آیا موجب بیکاری افراد یا افزایش تقاضا برای کار می‌شود؟</p> <p>- آیا آثار منفی خاصی بر مشاغل ویژه، گروه‌های کاری یا فرد خوداشتغال دارد؟</p> <p>- آیا بر کارکرد بازار کار تأثیری دارد؟</p>
استانداردها و معیارهای مرتبط با کیفیت شغل	<p>- آیا گزینه پیشنهادی بر کیفیت شغل تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا بر دسترسی افراد به آموزش شغلی موقت یا مداوم تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا بر بهداشت، ایمنی و کرامت آنان تأثیری خواهد داشت؟</p> <p>- آیا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر حقوق و تعهدات افراد شاغل به ویژه در خصوص اطلاعات و مشورت در خصوص کار خود و حمایت در برابر اخراج تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا موجب حمایت از جوانان شاغل می‌شود؟</p> <p>- آیا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر حقوق و تکالیف شغلی افراد شاغل تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا با استانداردهای بین‌المللی کار هماهنگ است؟</p> <p>- آیا بازسازی یا سازگاری با تغییرات و استفاده از نوآوری‌های فنی را در محیط کاری تسهیل می‌کند؟</p>
مشارکت اجتماعی و حمایت از گروه‌های ویژه	<p>- آیا گزینه پیشنهادی بر دسترسی به بازار کار یا بر انتقال کارکنان در آن تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم موجب برابری یا نابرابری اجتماعی می‌شود؟</p> <p>- آیا بر دسترسی برابر به کالاها و خدمات تأثیری دارد؟</p> <p>- آیا بر ارائه خدمات عمومی تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا بر اطلاعات مردم در خصوص مسائل خاص اجتماعی و اقتصادی تأثیری دارد؟</p> <p>- آیا آثار این گزینه بر گروه‌ها یا افراد خاص، شرکت‌ها، ادارات محلی، افراد آسیب‌پذیر و تهیدستان بیشتر از آثار وارد بر دیگر گروه‌هاست؟</p> <p>- آیا بر وضعیت اجتماعی و شهروندان کشور یا کشورهای ثالثی تأثیر می‌گذارد؟</p>
برابری در فرصت‌ها و عدم تبعیض	<p>- آیا گزینه پیشنهادی تأثیری بر فرصت‌های برابر به نفع همه دارد؟</p> <p>- آیا تأثیری بر برابری جنسیتی دارد؟</p> <p>- آیا این گزینه متضمن برخوردهای تبعیض‌آمیز با افراد و گروه‌ها بر مبنای جنسیت، نژاد، تعلقات یا خاستگاه قومی آنهاست؟</p>
زندگی خصوصی و خانوادگی	<p>- آیا گزینه پیشنهادی بر حریم خصوصی افراد تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا بر زندگی خانوادگی یا حمایت اقتصادی، اجتماعی و حقوقی از خانواده تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا بر کنترل اطلاعات و داده‌های شخصی افراد تأثیر می‌گذارد؟</p>
حکمرانی، مشارکت، مدیریت مطلوب، دسترسی به عدالت، رسانه‌ها و نظام اخلاقی	<p>- آیا گزینه پیشنهادی بر مشارکت اشخاص در مسائل اداره امور عمومی تأثیری دارد؟</p> <p>- آیا در این گزینه با همه گروه‌های مختلف جامعه برخورد برابر و یکسان صورت گرفته است؟</p> <p>- آیا تنوع فرهنگی موجود در جامعه رعایت شده است؟</p> <p>- آیا بر حقوق اجتماعی افراد و گروه‌ها تأثیر می‌گذارد؟</p> <p>- آیا مقرره پیشنهادی تأثیری بر نهادهای عمومی و کارکرد و مسئولیت‌های آنان خواهد داشت؟</p> <p>- آیا این گزینه تأثیری بر کیفیت ارتباط مردم با نهادهای عمومی خواهد داشت؟</p>



آثار وارد بر	پرسش‌های اساسی
	<ul style="list-style-type: none">- آیا دسترسی به اطلاعات را افزایش می‌دهد؟- آیا تأثیری بر کیفیت کار رسانه‌ها و توسعه آزادی بیان دارد؟- آیا نظام اخلاقی جامعه را متحول خواهد ساخت؟
بهداشت عمومی	<ul style="list-style-type: none">- آیا گزینه پیشنهادی بر بهداشت و ایمنی مردم مانند امید به زندگی، میزان شیوع بیماری‌ها، بهداشت محیط و کیفیت زندگی تأثیری دارد؟- آیا تأثیری بر میزان و نوع مخاطرات بهداشتی ناشی از تخریب محیط زیست دارد؟- آیا تأثیری بر میزان افزایش پسماندها و آلاینده‌های محیطی دارد؟- آیا تأثیری بر شاخص‌های سلامتی انسان مانند میزان مصرف دخانیات، نوع تغذیه و ورزش دارد؟- آیا تأثیری بر وضعیت گروه‌های خاص مانند افراد ناتوان و بیمار دارد؟
جرایم و امنیت	<ul style="list-style-type: none">- آیا گزینه پیشنهادی بر میزان ارتکاب جرم، پیشگیری و افزایش امنیت دارد؟- آیا تأثیری بر میزان جرم‌پذیری جامعه و ضریب احتمال کشف و دستگیری مجرمان دارد؟- آیا تأثیری بر میزان جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی در حقوق کیفری دارد؟- آیا ضمانت اجرای قوانین و مقررات را افزایش می‌دهد؟- آیا تأثیری بر رعایت حقوق متهمان، قربانیان جرم و شهود دارد؟
حمایت اجتماعی، بهداشت و آموزش	<ul style="list-style-type: none">- آیا گزینه پیشنهادی تأثیری بر کیفیت و کمیت خدمات اجتماعی دارد؟- آیا تأثیری بر آموزش و آمادگی کارکنان دارد؟- آیا بر میزان دسترسی افراد به فرصت‌های آموزشی و مهارت‌های شغلی تأثیر می‌گذارد؟- آیا تأثیری بر کیفیت تأمین اجتماعی خواهد گذاشت؟- آیا بر مسائل مالی حوزه آموزش، دسترسی به عدالت و بهداشت تأثیر دارد؟- آیا تأثیری بر نحوه اداره نهادهای آموزشی و بهداشتی دارد؟

جدول ۳. انواع آثار محیط زیستی

آثار وارد بر	پرسش‌های اساسی
آلودگی هوا	- آیا گزینه پیشنهادی بر میزان انتشار آلاینده‌های هوا و روش‌های کنترل و پیشگیری از انتشار آنها تأثیری دارد؟
کیفیت آب	- آیا گزینه پیشنهادی کیفیت و کمیت آب سالم و منابع آب شیرین را در مناطق مختلف افزایش یا کاهش می‌دهد؟
کیفیت خاک	- آیا گزینه پیشنهادی تأثیری بر شیوه بهره‌برداری از خاک، میزان تخریب و آلودگی آن دارد؟ - آیا میزان خاک‌های قابل بهره‌برداری را افزایش یا کاهش می‌دهد؟
اقلیم	- آیا گزینه پیشنهادی تأثیری بر میزان انتشار گازهای کاهنده لایه اوزن، کنترل گازهای گلخانه‌ای و دیگر عوامل دگرگونی اقلیمی دارد؟
منابع تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر	- آیا گزینه پیشنهادی تأثیری بر میزان بهره‌برداری از منابع تجدیدشونده و توان تجدیدپذیری آنها را دارد؟ - آیا منابع تجدیدناپذیر را کاهش می‌دهد؟
تنوع زیستی و چشم‌اندازهای طبیعی	- آیا گزینه پیشنهادی بر میزان و کیفیت تنوع زیستی موجود در طبیعت هر منطقه تأثیر می‌گذارد؟ - آیا شیوه‌های حفاظت از محیط زیست را بهبود می‌بخشد؟ - آیا تأثیری بر وضعیت گونه‌های زیستی در معرض خطر و زیستگاه‌های آنها دارد؟ - آیا تأثیری بر حفاظت از چشم‌اندازها و مناطق حفاظت شده طبیعی دارد؟
بهره‌برداری از زمین	- آیا گزینه پیشنهادی بر کیفیت و کمیت بهره‌برداری از زمین، حفاظت و استفاده منطقی از آن تأثیر می‌گذارد؟ - آیا موجب بهره‌برداری از زمین‌های بکر می‌شود؟ - آیا تأثیری بر مناطق حساس اکولوژیکی و جغرافیایی دارد؟ - آیا بر محدوده‌بندی، آمایش و طرح‌های تراکم مناطق تأثیر دارد؟
مدیریت پسماندها	- آیا گزینه پیشنهادی بر شیوه تولید، کنترل، دفع و بازیافت پسماندها تأثیر خواهد گذاشت؟
ریسک‌های محیط زیستی	- آیا گزینه پیشنهادی تأثیری بر کنترل و پیشگیری از خطرات محیط زیستی مانند لغزش زمین، آتش‌سوزی، زمین‌لرزه، انتشار مواد سمی و سیال دارد؟ - آیا بر کنترل انتشار مواد تراریخته ژنتیکی در محیط زیست تأثیر دارد؟ - آیا تأثیری بر میزان احتمال وقوع سوانح طبیعی دارد؟
ترابری و انرژی	- آیا گزینه پیشنهادی تأثیری بر میزان و الگوهای مصرف انرژی، کیفیت و کمیت سامانه‌های ترابری، حفظ پایداری منابع انرژی و بهره‌گیری از منابع تجدیدشونده انرژی دارد؟
آثار محیط زیستی فعالیت‌های مؤسسات	- آیا گزینه پیشنهادی بر میزان بهره‌گیری از منابع طبیعی، نحوه استخراج و استفاده از آنها و حفظ قابلیت تجدیدشوندگی طبیعت تأثیر می‌گذارد؟ - آیا بر مشوق‌های تولید و مصرف تأثیر دارد؟ - آیا بر استفاده از کالاهای دوستدار یا مخرب محیط زیست، مالیات‌های سبز، صدور مجوزهای بهره‌برداری و تولید، تدوین استانداردهای محیط زیستی و در کل اقتصاد محیط زیستی تأثیر دارد؟ - آیا تأثیری بر رابطه میان خط‌مشی‌های محیط زیستی و پویایی فعالیت بخش‌های کسب‌وکار، کارآفرینی و صنایع دارد؟



در پایان این بحث باید به این نکته اشاره کنیم که آنچه ارزیابی تأثیرات قانون خوانده می‌شود، به مراحل پیش از دستور کار قرار گرفتن طرح یا لایحه برای تقنین بازمی‌گردد. علاوه بر این، با ارائه متن پیشنهادی به پارلمان، راهکارها و رویه‌های دیگری تا پیش از تصویب نهایی متن به صورت قانون وجود دارد که خارج از بحث این نوشتار است. از مهمترین این رویه‌ها، «بررسی پیش‌اقتنگذاری»^۱ در انگلستان است؛ چنان‌که یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد، «تبادل نظرها و بررسی‌های پارلمانی می‌تواند مذاکرات عمومی را در خصوص عقاید سیاسی ارتقا دهد، رایزنی را تشویق کند یا به صیقل دادن متن لایحه از طریق پارلمان کمک کند».^۲

۲-۲. ارزیابی معطوف به گذشته یا پسینی

ادبیات راجع به ارزیابی مقررات، به ارزیابی پیشینی تأثیرات معطوف است. در توضیح ارزیابی معطوف به گذشته مقررات باید گفت روش‌های به‌کار گرفته شده در ارزیابی تأثیرات مقررات به‌نحو پسینی، مشابه روش‌های به‌کار گرفته شده از ارزیابی پیشینی مقررات است. مهمترین تفاوت این دو نوع ارزیابی در اینجاست که مقرراتگذار می‌تواند تأثیرات عینی و - احياناً پیش‌بینی شده خود - را متعاقب تصویب مقرر اندازه‌گیری، سنجش یا ارزیابی کند. در واقع در فاصله بین انجام ارزیابی پیشینی و ارزیابی پسینی تأثیرات مقرر، تصویب و اجرای مقرر روی می‌دهد و چنان‌که مقرراتگذاری به‌نحو روشمند و نظام‌مند صورت گرفته باشد، می‌توان ارزیابی قابل اتکایی نیز از تأثیرات مقرر انتظار داشت.

برای ارزیابی تأثیرات پسینی مقررات، می‌توان از پرسش‌هایی که در جداول ۱، ۲ و ۳ درخصوص ارزیابی تأثیرات پیشینی مقررات در همین نوشتار ذکر شد، کمک گرفت. پرسش‌های مطرح در جداول مذکور، که البته به پرسش‌هایی ناظر به گذشته تغییر داده شده‌اند، به‌شرح جدول پیش رو قابل ذکر است.

1. Pre-legislative Scrutiny

2. Dawn Oliver and Others, "Mode of Scrutiny", in Philip Giddings (ed.), *The Future of Parliament*, London, Palgrave Macmillan, 2005, p. 125.

جدول ۴. پرسش‌های مربوط به ارزیابی تأثیرات معطوف به گذشته (یا پسینی)

تأثیرات	پرسش‌های اصلی
تأثیرات اقتصادی	<p>۱. تأثیرات مقررات بر رقابت تجاری و جریان سرمایه‌گذاری چه بوده است؟</p> <p>۲. تأثیرات مقررات بر رقابت بر بازار داخلی چه بوده است؟</p> <p>۳. هزینه‌های اجرایی و فعالیت بخش کسب‌وکار پس از اجرای مقررات چه بوده است؟</p> <p>۴. هزینه‌های اداری اجرای مقررات بر بخش اداری چه بوده است؟</p> <p>۵. مقررات مورد بررسی بر حقوق مالکیت چه تأثیری داشته است؟</p> <p>۶. مقررات مورد بررسی چه تأثیری بر پژوهش و نوآوری گذاشته است؟</p> <p>۷. مقررات مورد بررسی چه تأثیری بر مصرف‌کنندگان گذاشته است؟</p> <p>۸. گروه‌های بخش‌های ویژه به چه نحوی از این مقررات متأثر شده‌اند؟</p> <p>۹. مقررات مورد بررسی چه تأثیری بر کشورهای دیگر و روابط بین‌المللی گذاشته است؟</p> <p>۱۰. نهادهای عمومی به چه ترتیب از مقررات متأثر شده‌اند؟</p> <p>۱۱. تأثیرات مقررات مورد بررسی بر اقتصاد کلان چه بوده است؟</p>
تأثیرات اجتماعی	<p>۱. تأثیرات مقررات بر استخدام و بازار کار چه بوده است؟</p> <p>۲. تأثیرات مقررات مورد بررسی بر معیارهای مرتبط با کیفیت شغل چه بوده است؟</p> <p>۳. تأثیرات مقررات بر مشارکت اجتماعی و حمایت از گروه‌های ویژه چه بوده است؟</p> <p>۴. آیا مقررات مورد بررسی برابری در فرصت‌ها و عدم تبعیض را متأثر کرده است؟</p> <p>۵. مقررات مورد بررسی چه تأثیری بر زندگی خصوصی و خانوادگی داشته است؟</p> <p>۶. تأثیر کلی مقررات بر موضوعات حکمرانی، مشارکتی، مدیریت مطلوب، دسترسی به عدالت، رسانه‌ها و نظام اخلاقی چه بوده است؟</p> <p>۷. تأثیرات مقررات بر بهداشت عمومی چه بوده است؟</p> <p>۸. تأثیرات مقررات بر جرائم و امنیت چه بوده است؟</p> <p>۹. تأثیرات مقررات بر حمایت اجتماعی، بهداشت و آموزش چه بوده است؟</p>
تأثیرات محیط زیستی	<p>۱. تأثیرات مقررات بر آلودگی هوا چه بوده است؟</p> <p>۲. تأثیرات مقررات بر کیفیت آب چه بوده است؟</p> <p>۳. تأثیرات مقررات بر کیفیت خاک چه بوده است؟</p> <p>۴. تأثیرات اقلیمی مقررات مورد بررسی چه بوده است؟</p> <p>۵. تأثیرات مقررات بر منابع تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر چه بوده است؟</p> <p>۶. تأثیرات مقررات بر تنوع زیستی و چشم‌اندازهای طبیعی چه بوده است؟</p> <p>۷. تأثیرات مقررات بر بهره‌برداری از زمین چه بوده است؟</p> <p>۸. تأثیرات مقررات بر مدیریت پسماندها چه بوده است؟</p> <p>۹. تأثیرات مقررات بر ریسک‌های محیط زیستی چه بوده است؟</p> <p>۱۰. تأثیرات مقررات بر ترابری و انرژی چه بوده است؟</p> <p>۱۱. پیامدهای محیط زیستی فعالیت مؤسسات پس از تصویب مقررات چگونه متأثر شده است؟</p>



آنچه که شرح داده شد و معنای مورد نظر در این نوشتار است، معنای موسع یا گسترده ارزیابی تأثیرات پسینی مقررات است. اما در ادبیات مربوط به ارزیابی تأثیرات مقررات، معنایی مضیق از ارزیابی پسینی وجود دارد که می‌توان آن را نوعی ارزشیابی از ارزیابی تأثیرات مقررات دانست. توضیح اینکه فرایند ارزیابی تأثیرات مقررات، خود نیازمند پایش و ارزیابی برای اطمینان از نحوه اجراست. این ارزیابی می‌تواند «نخست»، با ارائه دلایل و شواهد تجربی که بر مبنای آن تهیه و اجرای لوايح ... مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، دوم، با به‌کار بردن نتایج ارزشیابی در حوزه مقرراتگذاری و پاسخگو ساختن مقامات تصمیم‌گیر در برابر مصوبات خود، کیفیت ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری را افزایش دهد.^۱ بدین ترتیب هدف این نوع ارزیابی، بهبود کیفیت فرآیند ارزیابی تأثیرات مقررات است.

کرکپاتریک سه رویکرد اصلی به ارزشیابی ارزیابی تأثیرات مقررات را به شرح زیر از یکدیگر تفکیک می‌کند:^۲

الف) آزمون‌های میزان تبعیت:^۳ این آزمون‌ها بر بررسی درون‌دادها و اطلاعات به‌دست آمده متمرکز هستند و جنبه‌های تبعیت شکلی از همه عناصر رویه‌ای و فرآیندی در ارزیابی تأثیرات مقررات را ارزشیابی می‌کنند. بدین ترتیب آنچه در این نوع آزمون اهمیت دارد، مطابقت فرآیند ارزیابی تأثیرات مقررات با اصول توصیه شده برای ارزیابی کارآمد است. این نوع ارزشیابی، نوعاً با تکمیل «ورقه امتیاز» صورت می‌گیرد و متمرکز بر سه جنبه اصلی ارزیابی تأثیرات مقررات، یعنی کمیت هزینه‌ها و منافع، جنبه‌های مختلف رویه‌ای ارزیابی و توجه به در نظر قرار گرفتن تجربه‌های حاصل از اجرای این روش ارزیابی است.

ب) آزمون‌های اجرا: در این آزمون، تمرکز به‌جای اجرای رویه‌های الزامی برای ارزیابی، بر بررسی کیفیت اجرای مختلف فرآیند ارزیابی تأثیرات است. به‌عنوان نمونه، در یکی از گزارش‌های اداره محاسبات ملی انگلستان پرسش‌هایی در ۶ محور زیر مطرح شده است:

۱. آیا فرآیند ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری در وقت مناسب آغاز شده است؟
۲. آیا مشاوره مؤثر بوده است؟
۳. آیا هزینه‌ها به‌طور کامل برآورد شده است؟
۴. آیا ارزیابی انجام شده، منافع را به‌نحو واقع‌بینانه سنجیده است؟
۵. آیا ارزیابی انجام شده نتایج تبعیت از مقررات را به‌نحو واقع‌بینانه سنجیده است؟

۱. کرکپاتریک، ص ۱۷.

۲. این قسمت از نوشتار برگرفته از منبع پیشین، صص ۱۷-۲۵ است.

۶. آیا مقرراتگذاری به‌نحو مؤثر کنترل و ارزشیابی شده است؟

(ج) **آزمون‌های کارکرد:**^۱ در این آزمون‌ها، به بررسی نتایج ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری و تأثیرات این ارزیابی بر کیفیت مقررات پرداخته می‌شود. به‌بیان کرکپاتریک، در این آزمون‌ها، «تأثیرات مقرراتگذاری بر اساس وضعیت عدم مداخله از طریق مقرراتگذاری مورد ارزیابی قرار می‌گیرند؛ یعنی بررسی اینکه اگر دولت از طریق مقرراتگذاری مداخله نکند چه تأثیراتی در پی خواهد داشت».

سه نوع از آزمون‌های شرح داده شده، رویکردهای اصلی است به آنچه که می‌توان آن را «ارزیابی ارزیابی تأثیرات مقررات» نامید. بدیهی است دامنه این نوع ارزیابی پسینی، محدود به فرآیند مقرراتگذاری (یا قانونگذاری) است و به همین دلیل رویکردی مضیق تلقی می‌شود. چنان‌که گفته شد، آنچه موضوع این نوشتار است، ارزیابی پسینی به‌معنای موسع و در مرحله پس از وضع مقرر است. در این مرحله، آنچه محل توجه است، چگونگی اجرای مقرر و به‌طور کلی، تأثیرات ناشی از اجرای مقرر در عمل است.

۲-۳. جایگاه ارزیابی اجرای قانون در ارزیابی تأثیرات قانون

این گفتار در واقع ادامه گفتار پیشین محسوب می‌شود و صرفاً به این دلیل مجزا شده است که بر موضوع اصلی مرور بررسی بیشتر تمرکز شود. پیش از توضیح جایگاه ارزیابی اجرای قانون، توضیح این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که از این قسمت از نوشتار، برخلاف قسمت‌های پیش، به‌جای ارزیابی تأثیرات «مقررات»، از ارزیابی تأثیرات «قانون» سخن خواهیم گفت. چراکه چنان‌که گفته شد، از آنجا که مراد از مقررات در این نوشتار معنای موسع آن است، قانون نیز بخشی از مقررات محسوب می‌شود، اما به‌دلیل تمرکز این تحقیق بر مصوبات مجلس (قانون)، از عبارت ارزیابی تأثیرات قانون استفاده می‌کنیم.^۲

در این قسمت تلاش می‌کنیم تا با توضیح دقیق‌تر ارزیابی تأثیرات پسینی قانون (ارزیابی معطوف به گذشته)، جایگاه رویه ارزیابی اجرای قانون را در ادبیات مربوط به ارزیابی مقررات روشن‌تر کنیم. شاید یکی از مفیدترین تبیین‌ها درخصوص ارزیابی تأثیرات قانون که می‌تواند به‌ویژه برای توضیح ارزیابی پسینی مورد توجه قرار گیرد، توسط لوئیس مدر ارائه شده باشد. وی

1. Function Testes

۲. لازم به توضیح است که آنچه در ادبیات ارزیابی تأثیرات وجود دارد، صرفاً و به‌تمامی، ارزیابی تأثیرات مقررات «Regulation» است و دلیل آن، کلی بودن واژه مذکور و عام بودن آن نسبت به «قانون» است. در ادامه نکات دیگری نیز راجع به این موضوع ذکر خواهد شد.



سه معیار را برای ارزیابی برشمرده است که عبارتند از: اثرگذاری^۱، نتیجه‌بخشی^۲ و کارایی^۳. اثرگذاری (یا تأثیرگذاری) عبارت است از «میزان گرایش‌ها یا رفتار عینی جمعیت مورد نظر (افراد، شرکت‌ها و مقامات عمومی که مسئولیت اجرا و اعمال قانون را دارند) که منطبق با مدل هنجاری است یا محصول آن است، تا جایی که می‌توان گفت این گرایش و رفتارهای عینی را قانونگذار تجویز و اراده کرده است»^۴. در اثرگذاری دو پرسش اصلی مطرح است: نخست، آیا قانون رعایت و اجرا شده است و دوم، آیا می‌توان میزان اطاعت یا اعمال قانون را به دلیل ویژگی‌های مصوبه دانست؟ به همین دلیل برای اثرگذاری اغلب از واژه‌های «اطاعت» یا «اجرا» استفاده می‌شود که به‌ویژه در حقوق سنتی محور توجه است.^۵ بدین ترتیب، آنچه در اثرگذاری قانون نقش محوری دارد، اجرای قانون توسط دولت یا شهروندان یا اطاعت از آن توسط مخاطبان قانون است.

نتیجه‌بخشی، عبارت است از «میزان دستیابی یک عمل تقنینی به اهداف خود»^۶. با توجه به این معیار است که می‌توان میزان نائل شدن قانونگذار به اهداف خود از تقنین را مورد ارزیابی قرار داد. در واقع هدف از ارزیابی نتیجه‌بخشی، میزان دستیابی به هدف یا اهداف قانونگذار پس از اجرای مصوبه است، نه اجرا یا میزان اطاعت جزء به جزء مفاد مصوبه. به این ترتیب، چه‌بسا یک قانون اثرگذار باشد (یعنی مفاد آن اجرا یا اطاعت شده باشد) اما نتیجه‌بخش نباشد (به این معنی که هدف اصلی قانونگذار برآورده نشده باشد). از طرف دیگر، «این واقعیت که اهداف یک قانون خاص حاصل شده است، ضرورتاً نشان‌دهنده اثرگذاری یک قانون نیست، چراکه تحقق آن اهداف ممکن است ناشی از عوامل دیگری [غیر از مصوبه خاص] باشد»^۷. هدف یا اهداف یک قانون، که به احتمال

1. Effectiveness

2. Efficacy

3. Efficiency

در ترجمه مورد استفاده، از معادل «کارآمدی» برای «Efficiency» استفاده شده است و به همین ترتیب، در دیگر متون ترجمه شده درخصوص ارزیابی تأثیرات مقررات و مقرراتگذاری واژه مذکور با همین معادل ترجمه شده است. با این حال به نظر می‌رسد معادل «کارایی» مناسب‌تر باشد. چراکه، چنان‌که در همین متن توضیح داده خواهد شد، «Efficiency» ناظر بر هزینه - فایده‌های تصویب و اجرای مقررات است و بدین ترتیب واجد خصلتی اقتصادی است. در ادبیات اقتصادی، استفاده از معادل «کارایی» امری مرسوم است، درحالی‌که واژه «کارآمدی» بسیار کلی‌تر یا عام‌تر و واجد ابعاد مدیریتی، حقوقی و سیاسی است. شاید بتوان گفت «کارآمدی»، مشتمل بر مجموع «اثرگذاری»، «نتیجه‌بخشی» و «کارایی» است. این معنای عام کاربردهای متنوعی دارد که برای نمونه می‌توان به کاربرد آن توسط مویل اشاره کرد. وی کارآمدی قانون را به‌معنای باکیفیت بودن آن می‌داند؛ «کیفیت قانون در این معنا با قابلیت اجرای آن، سازگاری، فهم‌پذیر بودن، شفافیت، وضوح و سادگی تعریف شده است (مویل، پیشین، ص ۲۸۰). در این معنا، کارآمدی فرآیند تقنینی به «توانایی تضمین کیفیت قانون» از یک‌سو و به زمان در اختیار نمایندگان برای بررسی لوایح به‌نوع مؤثر از سوی دیگر، بستگی دارد، روشن است که این معنای کارآمدی، به جنبه‌های تشریفاتی و رویه‌ای فرآیند قانونگذاری باز می‌گردد.

۴. لوئیس مدر، پیشین، صص ۳۱۴-۳۱۵.

۵. همان، ص ۳۱۴.

۶. همان.

۷. همان، ص ۳۱۵.

بسیار زیاد خصلتی سیاستی^۱ دارد، ممکن است در مصوبه به صراحت قید شده باشد؛ اما گاه ضروری است برای پی بردن به هدف مقنن، به گزارش‌های ضمیمه طرح‌ها و لوایح و یا نکات مطرح شده در ضمن مذاکرات پارلمانی مراجعه کرد. اینکه هدف یا اهداف قانونگذار از تصویب مصوبه چه بوده است، اغلب با توجه به ادبیات کلی طرح یا لایحه یا اصول قانون اساسی یا گزاره‌های سیاستی که مفاد طرح یا لایحه را شکل می‌دهند، قابل دستیابی است. آنچه که در معیار نتیجه‌بخشی حائز اهمیت است، برداشتن گامی به پیش در جهت اصول یا گزاره‌های مبتنی بر قانون اساسی یا سیاستی است که قانونگذار را بر آن داشته تا طرح یا لایحه‌ای را جامه قانون ببوشاند.

معیار کارآیی، به رابطه میان «هزینه‌ها و منافع» قانونگذاری بازمی‌گردد. واژه‌های هزینه‌ها و منابع، واجد معنایی موسع در تعریف مذکور هستند؛ بدین معنی که هزینه، نه فقط دربر گیرنده پیامدهای مستقیم مالی اجرا یا تبعیت از مصوبه، بلکه شامل پیامدهای غیرمادی مانند پیامدهای روانی و احساسی ناشی از اجرا یا تبعیت از قانون است. بر همین سیاق، منافع نیز دربر گیرنده منابع مادی و غیرمادی است.^۲

برای روشن‌تر شدن تفکیک سه‌گانه اثرگذاری، نتیجه‌بخشی و کارآیی، به نمونه ذکر شده در

جدول ۴ توجه کنید.

جدول ۵. ارزیابی تأثیرات معطوف به گذشته (یا پسینی) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها (مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵)

معیار ارزیابی	پرسش‌های اصلی
اثرگذاری	آیا دولت به احکام مندرج در قانون عمل کرده است؟ آیا قانون به‌نحو کامل اجرا شده است؟
نتیجه‌بخشی	آیا قانونگذار به اهداف خود که به‌شرح زیر است* نائل شده است: ۱. تحقق عدالت ۲. تخصص بهینه منابع ۳. اصلاح ساختار اقتصادی به‌منظور تحقق اهداف سند چشم‌انداز کشور و اجرای سیاست کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی ۴. مدیریت مصرف برای جلوگیری از اسراف و تبذیر منابع
کارآیی	۱. هزینه‌های اجرای این قانون برای دولت، بخش خصوصی (فعالان اقتصادی) و شهروندان چه بوده است؟ ۲. منابع اجرای این قانون برای بخش خصوصی (فعالان اقتصادی) و شهروندان چه بوده است؟ ۳. نسبت بین هزینه‌ها و منافع این قانون چگونه است؟

* اهداف برشمرده شده، به نقل از متن مقدمه توجیهی لایحه ارائه شده به مجلس در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۹ است.

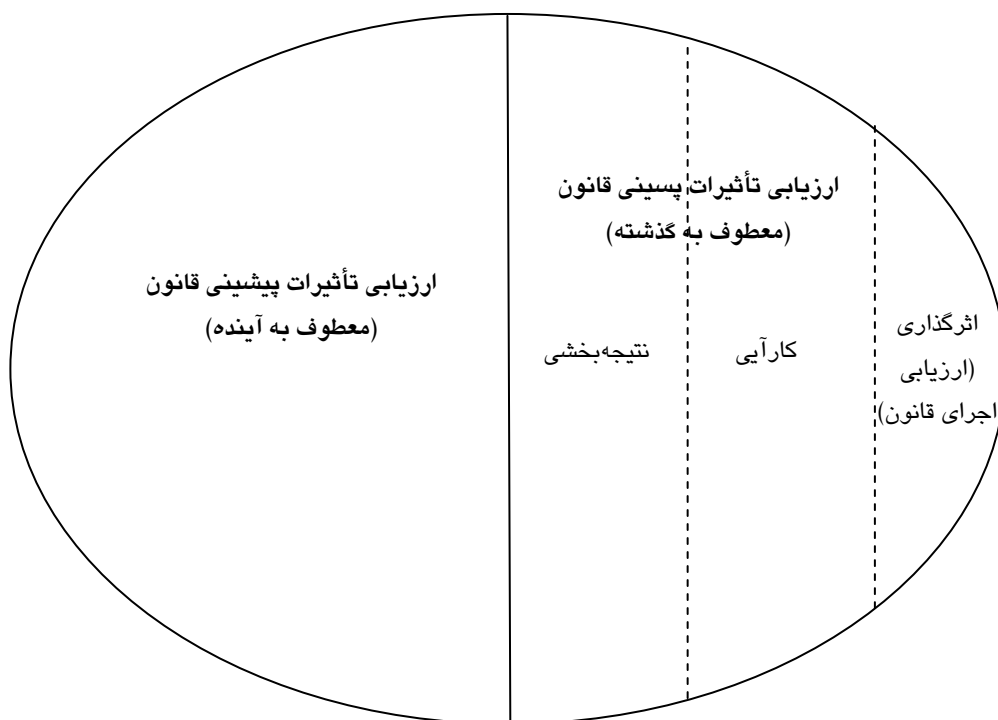
1. Policy

۲. لوئیس مدر، پیشین، ص ۳۱۵. همچنین لازم به‌ذکر است که در متنی متفاوت، آن دسته از دانشمندان علوم سیاسی که به ارزیابی سیاستگذاری عمومی علاقمندند، اغلب میان برون‌داد (Output)، تأثیر (Impact) و خروجی (Outcome) تمایز قائل می‌شوند. در این تحلیل، «برون‌داد» به معنای فعالیت اجرایی خاصی است که از یک سیاست یا خط‌مشی ناشی می‌شود. «تأثیر» به‌معنای تغییرهای رفتاری جمعیت آماری مورد نظر یک سیاست است و «خروجی»، معطوف به مباحث راجع به پیامدهای تغییرهای مذکور است. رک: پیشین، ص ۳۱۴.



با توجه به مطلب گفته شده، اکنون می‌توانیم جایگاه ارزیابی اجرای قانون را در منظومه کلی ارزیابی تأثیرات قانون در قالب شکل زیر نشان دهیم:

تصویری از ارزیابی تأثیرات قانون



چنان‌که از شکل ترسیم شده برمی‌آید، ارزیابی اجرای قانون یا اثرگذاری - که موضوع این نوشتار است - به‌همراه نتیجه‌بخشی و کارآیی جزئی از ارزیابی تأثیرات معطوف به گذشته (یا پیشینی) قانون محسوب می‌شوند و نوع اخیر ارزیابی تأثیرات نیز خود یکی از اقسام دوگانه ارزیابی قانون محسوب می‌شود.

با توجه به توضیحات بیان شده، روشن است که ارزیابی اجرای قانون، صرفاً بخشی از ارزیابی تأثیرات قانون به‌نحو پسینی است. چنان‌که گفته شده هر قانون پس از اجرا، تأثیراتی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی تأثیراتی به‌جا خواهد گذاشت که ارزیابی و تحلیل آنها، لازمه اصلاح مفاد قانون مورد ارزیابی و همچنین تصویب مفاد جدید قانونی - در صورت لزوم - است، اما قطعاً لازمه ارزیابی تأثیرات هر قانون، اطمینان از اجرای آن توسط قوه مجریه است. صرف ارزیابی اجرای قانون که موضوع این نوشتار است، برخلاف ظاهر، امری چندان ساده نیست. اجرا یا عدم اجرای قانون به حوزه حقوق اساسی مرتبط است. چراکه مباحث چالش‌برانگیز و اختلافی مربوط به روابط قوا، قدرت هر یک از قوا در قانون اساسی (نظام حقوقی حقوق اساسی)،

قدرت سیاستگذاری قوای مقننه و مجریه (نظام واقعی حقوق اساسی)، کیفیت نظارت قوه مقننه بر اعمال قوه مجریه و مانند اینها به میان می‌آید. بنابراین، گرچه گستره ارزیابی اجرای قانون، جزئی و در واقع، بخشی از ارزیابی تأثیرات قانون است، اما دامنه مباحث مطرح شده در آن، بسیار گسترده‌تر از صرف مباحث فنی مربوط به ارزیابی تأثیرات قانون است. ویژگی‌های فنی ارزیابی تأثیرات قانون، به قوه مقننه یا قوه مجریه، بدون در نظر گرفتن جدی ملاحظات سیاسی و حقوق اساسی، این فرصت را خواهد داد که با توجه به شواهدی حاصل از ارزیابی‌هایی با استفاده از روش‌های میدانی، از جمله نمونه‌پژوهی، پیمایشی و آمایشی، تأثیرات قانون را ارزیابی کنند، اما در ارزیابی اجرای قانون، چنان‌که گفته شد، موضوعات ارزیابی، موضوعاتی فراتر از امور فنی است. چراکه:

نخست، اجرا یا عدم اجرای یک قانون یا یک ماده قانونی ممکن است به موضوعی اختلافی بین قوه قانونگذار و قوه مجریه بدل شود. در صورت بروز چنین اختلافی، اساساً قوه مجریه بر این ادعاست که قانون، یا ماده خاصی از آن را اجرا کرده است. در این وضعیت، چه بسا تذکرات و فشارهای قوه مقننه برای اجرا آن، راه به جایی نبرد. در این حالت باید برای نفس اجرا یا عدم اجرا از معیارهایی بهره برد و رویه‌هایی مؤثر اتخاذ کرد.

دوم، در برخی موارد، گرچه قوه مجریه اذعان بر عدم اجرای قانون دارد، اما اختلاف با قوه مقننه، در خصوص میزان اجرا یا کیفیت اجرای مصوبه است. در اینجا نیز با متغیرهایی پیچیده سروکار داریم که به‌ویژه نشئت گرفته از کیفیت روابط قوای مقننه و مجریه است. دو دلیل گفته شده بیانگر خصلت سیاسی ارزیابی اجرای قانون، برخلاف خصلت فنی ارزیابی تأثیرات قانون (به‌طور کلی) است.

پیش از آغاز بحث ارزیابی اجرای قانون باید راجع به یک سؤال دیگر توضیحاتی ارائه دهیم و آن اینکه چرا تحقیقات و پژوهش‌های راجع به ارزیابی تأثیرات معطوف به گذشته (یا پسینی) در مقایسه با موضوع ارزیابی تأثیرات معطوف به گذشته اندک است؟ توضیح دو نکته در این ارتباط سودمند به نظر می‌رسد؛ نخست اینکه بی‌تردید، میان ارزیابی پیشینی و پسینی تأثیرات قانون نسبتی وثیق برقرار است. فقط در صورتی می‌توان تأثیرات قانون را پس از تصویب به‌نحو مطلوب مورد ارزیابی قرار داد که ابتدائاً پیش از تبدیل شدن متن پیش‌نویس به قانون، انواع ارزیابی‌های موشکافانه انجام شده باشد. به‌دلیل چنین تقدیمی، از آنجا که ادبیات مربوط به RIA در دهه اخیر متولد شده و بالیده است، تمرکز صاحب‌نظران و نهادها بر ارزیابی تأثیرات پیشینی است. طبعاً می‌توان انتظار داشت که با توسعه ادبیات مربوط به این موضوع، به ارزیابی پسینی نیز بیش از پیش پرداخته شود. به‌عبارت بهتر، از آنجا که ارزیابی تأثیرات پیشینی، پیش‌نیاز و بستر ارزیابی تأثیرات پسینی شمرده می‌شود، تبیین و تحلیل آن در اولویت محققان و نهادهای علاقمند قرار گرفته است.



دوم اینکه ارزیابی اجرای قانون به‌عنوان قسمی از ارزیابی تأثیرات قانون به‌نحو پسینی، ازجمله موضوعاتی است که به دلایلی باید در کشور ما مورد توجه قرار گیرد. توضیح اینکه در بسیاری از کشورها - به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته‌ای که روابط قوا به لحاظ حقوقی و سیاسی تثبیت شده است - اجرای قانون توسط قوه مجریه امری مفروض و قطعی است و درواقع مسئله نیست. شاید به همین دلیل باشد که در ادبیات ارزیابی تأثیرات، کمتر نشانی از ارزیابی اجرای قانون می‌توان سراغ گرفت، اما در برخی از کشورها، ازجمله ایران، کیفیت روابط قوا به‌نحوی است که این امکان وجود دارد که قوه مجریه از اجرای قانون خودداری کند و یا حتی به اجرای قانون تمکین نکند. در این وضعیت طبیعی است که بررسی‌های مربوط به ارزیابی اجرای قانون باید در اولویت پژوهشی قرار گیرد.

۳. بررسی گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها درخصوص ارزیابی اجرای قانون

در این گفتار، پس از شرح انواع ارزیابی‌ها و توضیح جایگاه ارزیابی اجرای قانون در بین انواع ارزیابی تأثیرات، به بررسی گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم راجع به این موضوع خواهیم پرداخت. هدف از این بررسی، پی بردن به روش تهیه گزارش‌های مذکور و نقاط قوت و ضعف آنهاست. پیش از آغاز این بررسی، توضیح این مطلب مفید است که مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، براساس بند «ج» ماده (۲) قانون شرح وظایف مرکز پژوهش‌ها، «مطالعه و بررسی و پژوهش نسبت به حسن اجرای قوانین^۱ و ارائه پیشنهادهای کارشناسانه برای رفع موانع و مشکلات» و همچنین به‌موجب بند «۶»، «تأمین نیازهای اطلاعاتی کمیسیون‌ها و نمایندگان مجلس و برقراری نظام اطلاع‌رسانی» را برعهده دارد. بدین ترتیب، انجام ارزیابی اجرای قوانین در مرکز پژوهش‌ها دستکم مبتنی بر مفاد قانونی مذکور است.

۳-۱. مروری بر محتوای گزارش‌ها

در این بخش، به توضیح مختصری از محتوای گزارش‌های تهیه شده در مرکز پژوهش‌های مجلس درخصوص اجرای قوانین می‌پردازیم. به‌دلیل اهمیت قانون برنامه توسعه، گزارش‌های مربوط به این قانون در بخشی مستقل مورد توجه قرار گرفته است.

۱. توضیح این نکته مفید به‌نظر می‌رسد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «نظارت بر حسن اجرای قوانین» به‌طور خاص از جمله وظایف قوه قضائیه شمرده شده است (بند «۳» اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی). آنچه که قانون شرح وظایف مرکز پژوهش‌ها قید شده است، اولاً «بررسی و پژوهش» با هدف حسن اجرای قوانین و ثانیاً، تغذیه علمی - پژوهشی مجلس در راستای دنیای وظایف نمایندگی، ازجمله نظارت، است.

۱-۱-۳. گزارش‌های راجع به اجرای قانون برنامه چهارم توسعه

۱. افشین حیدرپور، «ارزیابی عملکرد قانون برنامه چهارم (در حوزه اقتصاد کلان)»، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۸۸۲۱، بهمن‌ماه ۱۳۸۶.

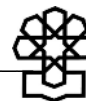
در این گزارش، برخی از موارد مرتبط با حوزه اقتصاد کلان ذکر شده و عملکرد دولت راجع به مفاد آن با استفاده از گزارش‌های دولت و بعضاً مصاحبه‌های مقامات دولتی، ارزیابی شده است. در واقع گزارش مذکور ارزیابی را براساس مفاد مندرج در هر ماده انجام داده است؛ مفادی که خود مشتمل بر تعداد قابل توجهی حکم است.

۲. سعید غلامی‌باغی، «بررسی عملکرد قانون برنامه چهارم (در حوزه بازرگانی)»، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۸۸۲۵، بهمن‌ماه ۱۳۸۶.

در گزارش مذکور، احکام قانون برنامه چهارم که به حوزه بازرگانی مرتبط بوده است، به تفکیک بازرگانی خارجی (۳۰ حکم) و بازرگانی داخلی (۱۹ حکم) در قالب جدولی ذکر شده است. همچنین پیش‌بینی‌های شاخص‌های بخش بازرگانی در جداول ضمیمه برنامه چهارم در گزارش آمده است. روش ارزیابی در گزارش مورد بحث به این ترتیب است که عملکرد شاخص‌های مهم بخش بازرگانی که از طرف دولت اعلام شده است، در مقایسه با بیشترین جداول ضمیمه برنامه چهارم، ارزیابی شده است. منبع آمار، سایت رسمی بانک مرکزی و همچنین خلاصه گزارش نظارت و ارزیابی پیشرفت‌های اول برنامه چهارم (منتشر شده توسط ریاست‌جمهوری) بوده است.

۳. صمد عزیزنژاد، «ارزیابی عملکرد قانون برنامه چهارم توسعه (حوزه بورس اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری خارجی)»، شماره مسلسل ۸۹۰۳، اسفندماه ۱۳۸۶.

در این گزارش نیز مواد قانون برنامه به‌عنوان شاخص در نظر گرفته شده و عملکرد دولت در دو حوزه بورس اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری خارجی ارزیابی شده است. این ارزیابی در قالب دو قسمت صورت گرفته است: بورس اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری خارجی. به‌همین ترتیب، دو ماده جداگانه، محور ارزیابی دولت در زمینه مورد بحث قرار گرفته است. براساس همین تفکیک، شاید تفکیک سازمانی نیز ضرورت داشت؛ بدین معنی که در قسمت اول، عملکرد سازمانی بورس اوراق بهادار و در قسمت دوم، عملکرد سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. در بخش اول گزارش چنین ضرورتی برآورده شده است، اما در بخش دوم گزارش، به بررسی موضوعی سرمایه‌گذاری خارجی و نه با ملاک سازمانی پرداخته شده است. منبع قسمت اول گزارش، نامه‌ای از سازمان بورس اوراق بهادار است و منبع قسمت دوم گزارش، نامه‌ای از معاونت امور بانکی، بیمه شرکت‌های دولتی وزارت امور اقتصادی و دارایی است. بدین



ترتیب این گزارش ارزیابی عملکرد، بر مبنای دو نامه از دو نهاد مرتبط استخراج و تنظیم شده است.

۴. حسن حیدری، «بررسی عملکرد قانون برنامه چهارم توسعه در حوزه بانک مرکزی و

بانک‌های تجاری و تخصصی»، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۹۰۴۳، تیرماه ۱۳۸۷.

بر اساس مواد قانون برنامه چهارم، این گزارش راجع به دو حوزه بانک مرکزی و بانک تجاری و تخصصی تنظیم شده است. بنابراین، ارزیابی عملکرد در این گزارش، موضوعی است. منابع گزارش مذکور، منابع منتشر شده توسط بانک مرکزی (گزارش‌ها، سایت و دو نامه) است.

۵. مهدی نامجویان و محمدحسن معادی‌رودسری، «ارزیابی عملکرد بخش معدنی و صنایع

معدنی در برنامه سوم و دو سال برنامه چهارم توسعه»، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن،

شماره مسلسل ۹۳۹۸، دی‌ماه ۱۳۸۷.

در این گزارش، وضعیت بخش معدن و صنایع معدنی در سال‌های برنامه سوم و در سال اول برنامه چهارم به تفکیک صنایع مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین به‌ویژه سرمایه‌گذاری و صادرات و واردات در حوزه مذکور، مورد توجه تهیه‌کنندگان گزارش است. مستندات این گزارش عبارتند از گزارش‌های اقتصادی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق) و گزارش‌های وزارت صنایع و معادن و نهادهای وابسته به آن (از جمله سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران).

۶. محمدحسن معادی‌رودسری، «ارزیابی عملکرد بخش صنعت برحسب شاخص‌های عملکردی

بخش و مقایسه آن با اهداف کمی برنامه سوم و دو سال اول برنامه چهارم توسعه»، معاونت

پژوهشی، شماره مسلسل ۹۶۶۲، اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۸.

چنان‌که در متن گزارش ذکر شده است، دو هدف از انجام مطالعه مذکور پیگیری می‌شود: نخست، ارزیابی عملکرد بخش صنعت طی سال‌های اجرای قانون برنامه سوم توسعه و دو سال اول قانون برنامه چهارم توسعه؛ دوم، ارزیابی اقدامات وزارت صنایع و معادن درباره اجرای قانون برنامه سوم توسعه و دو سال اول قانون برنامه چهارم توسعه. روش انجام پژوهش مورد بررسی، مقایسه عملکرد دولت، با شاخص‌های عملکردی بخش بوده است. چنان‌که در مقدمه گزارش تهیه شده است: «برای ارزیابی عملکرد هر بخش اقتصادی نیاز است که اهداف کمی یا پیش‌بینی شده برای آن بخش که توسط قانونگذار وضع می‌شود استخراج شده و از طریق مقایسه عملکرد با این اهداف، میزان وفاداری وزارتخانه و سازمان‌های تابعه آن را نسبت به اجرای قوانین و مفاد آن سنجید (ص ۴ گزارش). ارزیابی اجرا یا ارزیابی تأثیرات یک قانون بر سیاق گفته شده، ارزیابی کمی است. طبعاً در مواردی که نتوان شاخص عملکردی کمی استخراج کرد، ارزیابی کمی نیز امکانپذیر نبوده و در عمل، ارزیابی به‌نحو کیفی صورت خواهد گرفت.

۷. جمال محمدولی سامانی، «عملکرد بخش آب در برنامه چهارم و جایگاه آن در برنامه پنجم»، دفتر مطالعات زیربنایی، شماره مسلسل ۹۷۵۰، تیرماه ۱۳۸۸.
- در این گزارش، احکام مرتبط با بخش آب در قالب جدول احصا شده است. سپس عملکرد اهداف کمی بخش آب و همچنین بخش آب و فاضلاب با استناد به منابع منتشر شده توسط وزارت نیرو طی سال‌های برنامه ارزیابی شده است. به بیان روشن‌تر، در گزارش مذکور، تحقق یا عدم تحقق هریک از اهداف در بخش مورد نظر به صورت کمی نشان داده شده است.
۸. رضا مقدسی و الهه سلیمانی، «بررسی شاخص‌های عمده محصولات زراعی در سال‌های برنامه چهارم توسعه»، دفتر مطالعات زیربنایی، شماره مسلسل ۹۷۵۳، تیرماه ۱۳۸۸.
- در گزارش مذکور، نه به مفاد قانون برنامه چهارم، بلکه به موضوع میزان تولیدات و سطح زیر کشت مجموع محصولات زراعی در سال‌های برنامه چهارم توسعه پرداخته شده است.
۹. ابراهیم غلامپورآهنگر، «عملکرد بخش فرهنگ در برنامه چهارم توسعه ۲۰۰۲ هنر»، دفتر مطالعات فرهنگی، شماره مسلسل ۹۷۸۶، مردادماه ۱۳۸۸.
- بخش سوم این گزارش، به «بررسی عملکرد دولت در حوزه هنر» اختصاص داده شده است. تأکید این گزارش بر عملکرد دولت، در تهیه طرح‌ها، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های مربوط به هریک از مفاد قانون برنامه چهارم است. گرچه در جداولی به عملکرد کمی دولت در مواردی که قابل کمی‌سازی بوده (مانند تعداد فیلم‌های سینمایی تولید شده) پرداخته شده است.
۱۰. ذبیح‌الله طلوعی و همکاران، «عملکرد حمل‌ونقل در سه سال اول برنامه چهارم»، دفتر مطالعات زیربنایی، شماره مسلسل ۹۸۲۸، تیرماه ۱۳۸۸.
- در این گزارش، اهداف و عملکرد حمل‌ونقل جاده‌ای در خصوص حمل کالا، مسافر و ترانزیت کالا در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ مورد ارزیابی قرار گرفته است. شاخص عملکرد، اعداد مندرج در برنامه، مستندات نیز نهادهای ذیربط وابسته به وزارت راه و ترابری بوده است.
۱۱. لیلا زرشکن‌عابد، «مروری بر عملکرد بخش فرهنگ در برنامه چهارم توسعه ۳۰۰۳ میراث فرهنگی و گردشگری»، دفتر مطالعات فرهنگی، شماره مسلسل ۹۸۳۰، شهریورماه ۱۳۸۸.
- هدف از تهیه این گزارش، «شناسایی میزان پیشرفت اجرای برنامه چهارم با توجه به گزارش‌های رسمی دولت از عملکرد برنامه» ذکر شده است. در این گزارش همچنین میزان انطباق سیاست‌های خرد در توسعه بخشی با سیاست‌های کلی نظام و همچنین اهداف خرد و عناوین فعالیت‌ها در قوانین بودجه سالیانه مورد ارزیابی قرار گرفته است. از میان گزارش‌های تهیه شده در سال پایانی دوره هفتم و دوره هشتم که در این نوشتار بررسی شده است، صرفاً در این گزارش بر برخی از



خطاها در گزارش‌های ارزیابی دولت تأکید شده است.

۱۲. احمد دلاوری، «بررسی بند «الف» ماده (۴۹) قانون برنامه چهارم توسعه: فرصت‌ها و چالش‌ها»، دفتر مطالعات اجتماعی، شماره مسلسل ۹۸۵۱، شهریورماه ۱۳۸۸.

این گزارش را نمی‌توان ارزیابی عملکرد تأثیرات مفاد قانونی مذکور یا ارزیابی عملکرد دولت درخصوص اجرای قانون دانست؛ بلکه گزارش مورد اشاره، با بررسی چالش‌های عمده در اجرای بند «الف» ماده (۴۹) و همچنین ایرادهای بند مذکور، به تحلیل موضوع پرداخته و متنی را برای تصویب در قالب برنامه پنجم توسعه پیشنهاد کرده است.

۱۳. ابوالفضل خورشیدی، «مروری بر عملکرد برنامه چهارم توسعه در بخش فرهنگ ۵. تربیت بدنی و ورزش»، دفتر مطالعات فرهنگی، شماره مسلسل ۹۸۸۱، مهرماه ۱۳۸۸.

در این گزارش، عملکرد دولت درخصوص اجرای احکام مربوط به تربیت بدنی و ورزش مندرج در قانون برنامه چهارم توسعه ارزیابی شده است. به این منظور، اهداف بخش تربیت بدنی و ورزش در قالب دو بخش اهداف کمی و کیفی مورد ارزیابی قرار گرفته است. شاخص‌های مورد ارزیابی این گزارش، شاخص‌های مستخرج از ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه و مستندات گزارش، همچون گزارش‌های پیشین، گزارش‌های اقتصادی دولت بوده است.

۱۴. ابوالفضل خورشیدی، «مشکلات اساسی تربیت بدنی و ورزش با تأکید بر برنامه چهارم توسعه و پیشنهادهای برای برنامه پنجم پیشرفت و عدالت»، دفتر مطالعات فرهنگی، شماره مسلسل ۹۹۶۰، آذرماه ۱۳۸۸.

در گزارش مذکور، اجرای احکام مربوط به تربیت بدنی و ورزش در قانون برنامه چهارم مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. در مجموع، طبق گزارش مورد بررسی، بسیاری از احکام مذکور توسط دولت اجرا نشده است؛ اما این عدم اجرا فاقد ارزیابی کمی است. به عنوان نمونه، در بررسی عملکرد بند «ز» ماده (۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه صرفاً به بیان این مطلب اکتفا شده که احکام مذکور اجرا نشده است. همچنین مشکلات مرتبط با عملکرد برنامه چهارم توسعه مورد توجه قرار گرفته است.

۱۵. باقر درویشی و دیگران، «بررسی عملکرد برنامه چهارم توسعه برحسب مواد (ویرایش اول)»، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، شماره مسلسل ۹۹۶۹، آذرماه ۱۳۸۸.

به نظر می‌رسد این گزارش، شفاف‌ترین گزارش تهیه شده در مرکز پژوهش‌های مجلس درخصوص ارزیابی تأثیرات پسینی قانون برنامه توسعه از حیث اجرا یا عدم اجرا محسوب می‌شود. این گزارش با بررسی گزارش‌های اقتصادی سال‌های برنامه‌های چهارم توسعه، میزان دستیابی به اهداف مندرج در مفاد قانون مذکور را با درج یکی از سه عبارت «تحقق یافته است»، «تحقق نیافته

است» و «غیرقابل ارزیابی»، مورد بررسی قرار داده است.

۱۶. مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه علم و صنعت، «بررسی میزان انطباق عملکرد دولت نهم در بخش مسکن نسبت به محورهای قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، دفتر مطالعات زیربنایی، شماره مسلسل ۱۰۰۵۸، دی‌ماه ۱۳۸۸.

نکته قابل توجه در این گزارش این است که برخلاف گزارش‌های مشابه، در این گزارش از آمار و همچنین جدول و نمودار استفاده نشده است. در گزارش مذکور ابتدا محورهای مرتبط با اقتصاد مسکن در قانون برنامه چهارم توسعه فهرست شده است. در گام بعد اقدامات دولت در راستای مفاد برشمرده شده تحلیل شده است. این ارزیابی در محورهایی از قبیل تهیه و تصویب طرح جامع مسکن، حمایت از ایجاد و بهره‌گیری از مشارکت تشکله‌ها و ترغیب سرمایه‌گذاری خارجی به صورت کیفی انجام شده است.

۱۷. صمد عزیزنژاد، «بررسی چالش‌های نظام پولی و بانکی و ارائه پیشنهادها برای قانونی برای برنامه پنجم توسعه»، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۹۹۹۸، آذرماه ۱۳۸۸.

در بخشی از این گزارش با عنوان «مروری بر عملکرد برخی متغیرهای اقتصادی در برنامه چهارم توسعه و چالش‌های نظام بانکی» نکاتی با استفاده از مقالات منتشر شده یکی از صاحب‌نظران در این باره ذکر شده است. دیگر نتایج ارزیابی مطرح شده در این قسمت نیز از مصاحبه‌ها و مقالات مرتبط اخذ شده است. برای نمونه، در مطلبی با عنوان اهم چالش‌ها در شبکه بانکی، به «عدم اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا» اشاره شده است (بند «۱۳»، ص ۱۲) که مآخذ ادعای مذکور، شماره ۸۶ نشریه «فصلنامه اقتصاد اسلامی» است. بدین ترتیب اگرچه در این گزارش، برخلاف دیگر گزارش‌های تهیه شده در مرکز پژوهش‌ها مربوط به ارزیابی اجرای قوانین، گزارش‌های نهادهای مرتبط دولتی به عنوان منابع و مستندات تهیه گزارش به کار گرفته نشده است، اما منابع استفاده شده آنچنان قابل اتکا نیستند.

۱۸. ابوالفضل خورشیدی، «بررسی تأثیر اجرای مفاد بند «ب» ماده (۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه بر ورزش حرفه‌ای»، دفتر مطالعات فرهنگی، شماره مسلسل ۱۰۰۵۷، دی‌ماه ۱۳۸۸.

در این گزارش، پس از ذکر نظرات موافق و مخالف با بند «ب» ماده (۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه، به ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح این ماده در قانون برنامه پنجم توسعه پرداخته است. در واقع، در این گزارش ارزیابی تأثیرات از حیث میزان اجرا یا عدم اجرا صورت نگرفته است، بلکه ماده مذکور از منظرهای مختلف تحلیل شده است.



۱۹. فرید دهقانی، «بررسی وضعیت بخش معدن و مقایسه اهداف و تکالیف برنامه چهارم توسعه در بخش مذکور»، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن، شماره مسلسل ۱۰۳۷۴، مردادماه ۱۳۸۹.

در گزارش مذکور، وضعیت نقش معدن و صنایع معدنی، صادرات معدن و صنایع معدنی، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) و سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور در طی سال‌های برنامه چهارم ارزیابی شده است. چنان‌که در گزارش آمده است، در قانون برنامه چهارم توسعه، از مجموع ۱۳۴۰ حکم، ۱۱ حکم به بخش معدن مربوط بوده است. در گزارش مورد بررسی، با استفاده از جداول کمی برنامه چهارم و آمار اخذ شده از وزارت صنایع و معادن، «برنامه»، «عملکرد» و «درصد تحقق» به تفکیک سال در بخش معدن و صنایع معدنی در قالب یک جدول تهیه شده است.

۲۰. ابراهیم مقصودی، «بررسی بخش فولاد در سال‌های مختلف برنامه چهارم؛ مشکلات و راهکارها»، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن، شماره مسلسل ۱۰۵۷۵، دی‌ماه ۱۳۸۹.

در این گزارش، برنامه و عملکرد تولید فولاد، صادرات و واردات مواد خام و محصولات فولادی و تولید و استخراج سنگ آهن در طی سال‌های مختلف برنامه چهارم توسعه، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۲۱. بهمن برزگر و محمدرضا رضائیان، «بررسی عملکرد دولت در طی برنامه چهارم در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات»، دفتر مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین، شماره مسلسل ۹۹۷۸، بهمن‌ماه ۱۳۸۹.

در گزارش مذکور، بررسی عملکرد بر اساس گزارش‌های دریافتی از دستگاه‌های اجرایی به تفکیک مواد مرتبط قانون برنامه چهارم توسعه صورت گرفته است. به این منظور، طبق گزارش، پس از استخراج مفاد قانونی مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات، طی نامه‌هایی از دستگاه‌های متولی گزارش عملکرد درخواست شده است. استفاده از گزارش‌های منتشر شده، مصاحبه با مسئولان دستگاه‌ها و بررسی‌های میدانی برای استخراج عملکرد دولت، از دیگر منابع این گزارش بوده است.

۲۲. سیدمصطفی مقتدایی و همکاران، «ارزیابی وزارت نیرو در بخش برق در برنامه چهارم توسعه»، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن، شماره مسلسل ۱۰۷۳۷، فروردین‌ماه ۱۳۹۰.

این گزارش، مشتمل بر تبیین عملکرد کمی و کیفی صنعت برق، خصوصی‌سازی صنعت برق و... است. در فصل پایانی گزارش مذکور، عملکرد وزارت نیرو در مفاد برنامه‌های سوم و چهارم براساس میزان ثمربخشی (خوب یا ضعیف) مورد ارزیابی قرار گرفته است.

منابع این گزارش، گزارش‌هایی آماری صنعت برق و همچنین اطلاعات منتشره از طریق سایت‌های معاونت‌های وزارت نیرو، توانیر و شرکت‌های برق منطقه‌ای بوده است.

۲۳. سمیرا اسمعیلی‌شهمیرزادی و همکاران، «ارزیابی عملکرد نقش معدن و صنایع معدنی در برنامه سوم و چهارم توسعه»، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن، شماره مسلسل ۱۲۱۸۱، دی‌ماه ۱۳۹۰.

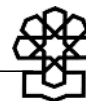
این گزارش به‌طور دقیق‌تر، ارزیابی عملکرد نهادهای دولتی مرتبط در سال‌های قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳) و قانون برنامه توسعه چهارم (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸) درخصوص بخش معدن و صنایع معدنی است. به‌عنوان نمونه، تعداد جوازهای تأسیس صادره، میزان سرمایه‌گذاری و میزان اشتغال در صنایع معدنی در برنامه سوم و چهارم توسعه در یک جدول قید شده است. به همین ترتیب، ارقام مربوط به میزان سرمایه‌گذاری خارجی در بخش معدن و صنایع معدنی در قالب یک جدول نشان داده شده است.

در مهمترین قسمت گزارش مورد بررسی از حیث موضوع این نوشتار، جدولی با عنوان «عملکرد برخی از مواد قانون برنامه چهارم در ارتباط بخش معدن و صنایع معدنی» وجود دارد. در این جدول در ستون‌های مجزا، متن حکم قانون برنامه چهارم توسعه، خلاصه اقدامات انجام شده و در مواردی، تحلیل موضوع ذکر شده است. به‌عنوان مثال، در یکی از مواد قانون برنامه سوم توسعه، قانونگذار درخصوص «تهیه و تدوین معیارها و مشخصات فنی مرتبط با مصرف انرژی در تجهیزات فرآیند» حکمی قانونی مقرر کرده است. در ستون «خلاصه اقدامات انجام شده» در این باره قید شده است: «ضوابط و معیارهای مصرف انرژی به سازمان صنایع و معادن استان‌ها جهت رعایت در طرح‌های جدید و به معاونت تولید جهت بهینه‌سازی مصرف واحدهای تولیدی ابلاغ و در دست پیگیری و اجراست». در ستون «تحلیل موضوع»، چنین آمده است: «در این بخش می‌بایست قوانین مدون در ارتباط با ماشین‌آلات معدنی و... تدوین می‌شد که ... هنوز نهایی نشده است. بنابراین عملکرد قابل توجه در این بخش وجود ندارد».

۲-۱-۳. گزارش‌های راجع به اجرای دیگر قوانین

۲۴. فریدون اسلامی، «گزارش عملکرد اجرایی قانون توسعه حمل‌ونقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت (سال ۱۳۸۷)»، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن، شماره مسلسل ۹۶۳۰، اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۸.

این گزارش بر مبنای داده‌های استخراج شده از دو نامه صادره از ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت به درخواست مرکز پژوهش‌ها تنظیم شده است. در واقع مرکز پژوهش‌ها با استفاده از اطلاعات دریافتی در دو مقطع زمانی، عملکرد دولت در اجرای قانون مذکور را در دو ستون جداگانه گزارش کرده است؛ اما ارزیابی‌ای از عملکرد مذکور (چه کمی و چه کیفی) صورت نگرفته است.



۲۵. احمد داوری، «ارزیابی اجرا و آثار قانون افزایش پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی در سال ۱۳۸۷»، شماره مسلسل ۹۸۴۱، شهریورماه ۱۳۸۸.

قانون مورد بررسی، در پی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که به «بومی‌گزینی» معروف شد، به تصویب رسید و هدف از آن، جبران عوارض نامطلوب مصوبه مذکور بود. با این حال، گرچه در این گزارش به تفصیل به آثار نامطلوب مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی پرداخته شده است، اما اجرای آن توسط دولت ارزیابی نشده است؛ بدین ترتیب که در انتهای گزارش این نکته مورد بررسی قرار گرفته است که با فرض اجرای مصوبه مذکور توسط دولت، آیا امکان استیفای حقوق داوطلبان وجود دارد یا خیر.

۲۶. مظفر کریمی و دیگران، «ارزیابی چگونگی اجرای قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی»، دفتر مطالعات اجتماعی، شماره مسلسل ۱۰۰۷۷، بهمن‌ماه ۱۳۸۸.

محتوای این گزارش به آنچه که ما از ارزیابی پسینی تأثیرات قانون مراد می‌کنیم بسیار نزدیک است. در گزارش مذکور تلاش شده است تا با استفاده از گزارش‌های منتشر شده توسط وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و دستگاه‌های تابعه آن، عملکرد نهادهای مربوط در اجرای این قانون «مادر» مورد ارزیابی قرار گیرد.

در یکی از جداول این گزارش، «اهداف، وظایف و اقدامات انجام شده در قلمرو سه‌گانه نظام جامع تأمین اجتماعی در جدولی دیگر، «اهداف، وظایف و اقدامات انجام شده در حوزه بیمه‌ای» مورد ارزیابی قرار گرفته است. بررسی صندوق‌های بیمه‌ای در حوزه بیمه‌ای نظام جامع با استفاده از شاخص‌های مرتبط، از دیگر قسمت‌های این گزارش است. در بخش دیگر، اهداف، وظایف و اقدامات انجام شده در حوزه حمایتی و توانبخشی و همچنین حوزه امدادی مورد ارزیابی قرار گرفته است که ترکیبی از ارزیابی به روش‌های کمی و کیفی است.

در قسمت نتیجه‌گیری گزارش مورد بررسی، چگونگی اجرای قانون ساختار نظام جامع رفاه... در زمینه پوشش جامعه هدف در قالب جدول ارزیابی شده است. در جدول مذکور در سه حوزه بیمه همگانی، بیمه تکمیلی حمایتی و توانبخشی، محورهای قانون در مقایسه اقدامات انجام شده ذکر شده است. در جدول دیگری، چگونگی اجرای قانون مورد بحث در زمینه سطح تعهدات و خدمات به روش مذکور ارزیابی شده و در آخر، چگونگی اجرای قانون ساختار نظامی جامع رفاه ... در زمینه تأمین منابع مالی تبیین شده است. نکته قابل توجه در ارزیابی‌های انجام شده، اتکای ارزیابی‌های انجام شده بر منابع صرفاً دولتی است که عبارتند از: برنامه راهبردی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، سالنامه آماری وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، گزارش عملکرد سازمان‌های بیمه خدمات درمانی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و بنیاد شهید و امور ایثارگران.

همچنین گزارش مورد بررسی از این منظر قابل توجه است که تهیه‌کنندگان آن تلاش کرده‌اند در مقابل هر حکم مندرج در قانون مورد بررسی، به اختصار عملکرد نهادهای مربوط را شرح دهند. در اغلب موارد، مبنای ارزیابی، انجام یا عدم انجام اقدام حکم شده در قانون است.

۲۷. گروه حقوق عمومی، «ارزیابی عملکرد دولت در خصوص تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی از مهرماه ۱۳۸۷ تا پایان اسفندماه ۱۳۸۸»، دفتر مطالعات حقوقی، شماره مسلسل ۱۰۳۰۴، تیرماه ۱۳۸۹.

در این گزارش، در قالب یک جدول، عملکرد دولت در ارتباط با تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین ارزیابی شده است. به این نحو که چنان‌که آیین‌نامه اجرایی قانون به تصویب رسیده باشد، تاریخ ابلاغ تصویب‌نامه دولت در ستون مجزا قید شده است؛ در غیر این صورت، عبارت «تصویب نشده است» ذکر شده است. در واقع در این گزارش، نوع خاصی از تکلیف دولت در اجرای قوانین در همه قوانین مصوب مجلس هفتم مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۲۸. مریم شمس‌فلاورجانی، «ارزیابی اجمالی اجرای قانون تسهیل ازدواج جوانان»، دفتر مطالعات فرهنگی، شماره مسلسل ۱۰۳۱۸، تیرماه ۱۳۸۹.

در این گزارش، ابتدا اقدامات دستگاه‌ها در راستای امر ازدواج (نه منطبق با قانون تسهیل ازدواج جوانان) برشمرده شده است. سپس عملکرد دستگاه‌های ذیل هر بند از مواد قانون تسهیل ازدواج جوانان قید شده است. از مهمترین مفادی که از قانون مذکور اجرا نشده است، عدم تشکیل «صندوق اندوخته جوانان» است که باعث معطل ماندن اجرای بسیاری از مفاد قانون مورد بررسی شده است. در واقع اجرای این قانون منوط به تشکیل صندوق مذکور است.

۲۹. امید عطائی، «خصوصی‌سازی در بخش صنعت (با تأکید بر صنایع فولاد)»، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۰۴۹۹، آبان‌ماه ۱۳۸۹.

در قسمتی از این گزارش، عملکرد قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی مورد ارزیابی قرار گرفته است. این ارزیابی در قالب جدولی با عنوان «عملکرد واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به بخش‌های مختلف اقتصادی» انجام شده است. منبع این جدول، گزارش سازمان خصوصی‌سازی راجع به عملکرد اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم قانون اساسی در مردادماه ۱۳۸۹ است.



۳۰. مهران برادران نصیری و دیگران، «تأثیر سیاست‌های اتخاذ شده در اجرای قوانین بر تولید و هزینه تمام‌شده گندم در سال ۱۳۹۰»، دفتر مطالعات زیربنایی، شماره مسلسل ۱۰۸۴۸، خردادماه ۱۳۹۰.

در گزارش مذکور، تأثیرگذاری نحوه اجرای قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی و قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، بر تولید و هزینه گندم ارزیابی شده است.

۳۱. سیدحسین شریفی، خلاصه گزارش «آسیب‌شناسی و بازنگری قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به‌منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۲۲»، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن، شماره مسلسل ۱-۱۱۰۲۵.

این گزارش، خلاصه‌ای از پژوهشی است که سه هدف را دنبال کرده است: نخست، ارزیابی اجرای قانون حداکثر استفاده از توان فنی...؛ دوم، تبیین دلایل عدم اجرای قانون مذکور و سوم، ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح قانون در جهت رفع کاستی‌ها و موانع اجرای آن.

پژوهش مذکور که از روش ترکیبی (کمی و کیفی) بهره گرفته است، با فرض بر عدم اجرای قانون مورد بررسی، دلایلی را برای این عدم اجرا با استفاده از مصاحبه با ذینفعان برشمرده است. اما نکته قابل تأمل در این گزارش آن است که برای ادعای عدم اجرای قانون - احتمالاً به دلیل عدم دسترسی به گزارش‌های مربوط - ارزیابی کمی صورت نگرفته است، بلکه عدم اجرای مفاد قانون مورد بررسی، با توجه به نکات مطرح شده در مصاحبه‌ها با ذینفعان مفروض انگاشته شده است.

۳۲. سیدسروش قاضی‌نوری، «مروری بر وضعیت قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات (یک سال پس از تصویب)»، دفتر مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین، شماره مسلسل ۱۲۰۲۴، آبان‌ماه ۱۳۹۰.

در این گزارش، به مهمترین موضوعات مربوط به اجرای این قانون پس از گذشت یک سال از تصویب آن پرداخته شده است. این محورها به این شرح‌اند: تصویب آیین‌نامه اجرایی، تأثیر صندوق نوآوری و شکوفایی و واگذاری مراکز پژوهشی غیرحاکمیتی. در هر سه محور مذکور، ارزیابی انجام شده حاکی از عدم اجرا توسط دولت است. در واقع شاید بتوان گفت سه محور مذکور، شاکله قانون مورد بررسی را تشکیل می‌دهد و با این وصف، می‌توان ادعا کرد که دستکم یک سال پس از تصویب قانون مذکور، اقدامی در جهت اجرای آن صورت نگرفته است.

روش ارزیابی این گزارش به این ترتیب است که با دسته‌بندی تکالیف دولت برای اجرا، انجام یا عدم انجام تکالیف مذکور توضیح دهد، البته طبعاً در این روش ارزیابی نیازی به وجود اطلاعات و گزارش‌های کمی یا کیفی نیست و می‌توان با توجه به آیین‌نامه‌های مصوب دولت، انجام تکالیف مقرراتگذاری دولت در اجرای قانون را ارزیابی کرد.

۲-۳. ویژگی‌های ارزیابی اجرای قانون در گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها

۱-۲-۳. محوریت اجرای تکالیف ناظر بر مقرراتگذاری

آنچه در ۹ گزارش ذکر شده به‌طور قاطعانه و بدون الزام به دسترسی به منابع اطلاعاتی ارزیابی شده است، تصویب یا عدم تصویب آیین‌نامه اجرایی، اساسنامه و دیگر مقررات تکلیف شده در قانون توسط دولت است. در واقع ارزیابی انجام تکلیف به مقرراتگذاری - که مهمترین و شاید اولین گام برای اجرای قانون به‌شمار می‌رود - همواره در گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها مورد توجه بوده است. سوای اهمیت وضع آیین‌نامه و سایر مقررات، ارزیابی تصویب یا عدم تصویب مقررات نیز امری شدنی است؛ چراکه دسترسی به آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌های مصوب دولت با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی، از جمله روزنامه رسمی، امکانپذیر است. با این حال، در موارد بسیاری، پی بردن به تصویب یا عدم تصویب آیین‌نامه یا اساسنامه، یا اصلاحات آن، بسیار دشوار است. در این حالت، بدیهی است دستیابی به متن مقرر نیازمند تلاش بسیار بیشتر است.

۲-۲-۳. ارزیابی اجرای قانون با هدف اصلاح قانون

آنچه از مروری بر گزارش‌های ذکر شده قابل توجه است، هدف مشترک از ارزیابی‌های صورت گرفته در اجرای قانون است. به این ترتیب که به‌نظر می‌رسد مهمترین هدف گزارش‌های مذکور، اصلاح نقاط ضعف قانون با توسل به کیفیت اجرای آن توسط قوه مجریه است. طبعاً در نظر داشتن هدف گفته شده، مستلزم نوع خاصی از ارزیابی است. آنچه سبب شده است که این هدف در تهیه گزارش‌های ارزیابی اجرای قانون مد نظر قرار گیرد، این پیش‌فرض است که چه‌بسا یکی از مهمترین دلایل عدم اجرای مصوبه، به مفاد مصوبه بازگردد و بدین ترتیب، می‌توان با اصلاح متن قانون، راه را برای اجرای آن توسط دولت هموار کرد یا دستکم، انگیزه اجرای آن را برای دولت فراهم ساخت.

۳-۲-۳. تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی

در گزارش‌های ارزیابی اجرای قانون که توسط مرکز پژوهش‌ها در دوره هشتم تهیه شده است، بسته به وجود یا در دسترس بودن اطلاعات مربوط به موضوع مصوبه مورد ارزیابی، روش‌های کمی با کیفی به‌کار گرفته شده است. ارزیابی‌های کمی در قالب جداول و تطبیق عملکرد دولت با شاخص‌های برگرفته از قانون (عمدتاً برنامه توسعه) و ارزیابی کیفی، با عبارتهایی نظیر «اجرا شده» یا «به‌نحو شایسته اجرا نشده است» مشخص شده است.

۴-۲-۳. منابع اطلاعاتی دولتی

چشمگیرترین و مهمترین ویژگی گزارش‌های ارزیابی اجرای قانون، تکیه تمام عیار گزارش‌ها بر منابع اطلاعاتی دولتی است. این منابع خود در چند دسته قابل تقسیم‌بندی هستند: نخست، بخشی از



منابع، حاوی داده‌های آماری است که توسط مرکز پژوهش‌ها درخواست شده است و طی نامه‌هایی به‌طور موردی در اختیار مرکز پژوهش‌ها قرار گرفته است؛ دوم، بخشی از اطلاعات از گزارش‌های سالیانه دستگاه‌های دولتی که عمدتاً به‌نحو بخشی تهیه شده است استخراج شده است. طبیعتاً در هر وزارتخانه، سالیانه آماری تهیه و منتشر می‌شود. سوم؛ آمار منتشر شده توسط بانک مرکزی و مرکز آمار ایران از دیگر منابع تهیه ارزیابی اجرای قانون بوده است. به‌دلیل اهمیت این موضوع، در ادامه نوشتار به توضیح مطالبی در این خصوص خواهیم پرداخت.

۴. اطلاعات و منابع اطلاعاتی به‌مثابه پیش‌نیاز ارزیابی اجرای قانون

چنان‌که گفته شد، یگانه منابع مرکز پژوهش‌ها در تهیه گزارش‌های ارزیابی اجرای قانون، آمارها و اطلاعات منتشر شده توسط دستگاه‌های دولتی بوده است. نکته قابل تأمل این است که چگونه می‌توان ارزیابی عملکردی که صرفاً با اتکا به منابع اطلاعاتی مقام نظارت‌شونده (در اینجا دستگاه‌های دولتی) تهیه شده است را واجد ویژگی‌های یک ارزیابی مطلوب دانست. در ادامه نوشتار، ابتدا به دلایل اجتناب‌ناپذیر بودن تکیه بر منابع دولتی در ارزیابی اجرای قانون می‌پردازیم. سپس به توضیح راجع به این مطلب خواهیم پرداخت که اگر مجلس بخواهد علاوه بر منابع تهیه شده توسط نظارت‌شونده، به منابع اطلاعاتی رقیبی نیز دسترسی داشته باشد، از چه راهکارهایی می‌تواند چنین امری را تحقق بخشد و در پایان، راهکارهایی حداقلی با توجه به وضع موجود ارائه خواهیم کرد.

۴-۱. نقش بنیادین اطلاعات و منابع اطلاعاتی در ارزیابی تأثیرات قانون

چنان‌که یکی از صاحب‌نظران می‌نویسد، پرهزینه‌ترین و زمانبرترین بخش فرآیند ارزیابی تأثیرات مقررات و مقررات‌گذاری، گردآوری اطلاعات ضروری و همچنین معتبر است. «گردآوری اطلاعات امر مهمی است که همه مقررات‌گذاران باید آن را در فعالیت روزمره خود انجام دهند. بنابراین آنها باید مهارت‌ها و روش‌های ارتباطی لازم برای شناخت نیازها و منابع اطلاعاتی را ارتقا دهند و قادر به تشخیص اطلاعات نامعتبر باشند. انتخاب نوع و روش گردآوری اطلاعات به‌دلیل تأثیر آنها بر نحوه مقررات‌گذاری، جزئی از فرآیند مقررات‌گذاری محسوب می‌شود»^۱. معمولاً نقدهای ناظر بر ارزیابی تأثیرات مقررات، مربوط به کیفیت نامطلوب اطلاعات است.

1. Scott H. Jacobs, "Current Trends in the Process and Methods of Regulatory Impact Assessment: Mainstreaming RIA into Policy Processes", In Colin Kirkpatrick and David Parker (eds.), *Regulatory Impact Assessment: Towards Better Regulation?*, Northampton, Edward Elgar, 2007, p. 26.

تدوین معیارهای گردآوری اطلاعات موثق و همچنین کنترل کیفیت اطلاعات برای استفاده از آنها در افزایش اعتبار ارزیابی تأثیرات مقررات واجد اهمیت است. مهمترین معیار اطلاعات، «شفافیت» است.

۲-۴. مزیت دولت در دسترسی به منابع و بانک‌های اطلاعاتی

در قسمت‌های پیشین گفته شد که گرچه اجرا یا عدم اجرای مفاد یک قانون در ظاهر امری ساده به نظر می‌آید، اما با توجه به رویکردهای متفاوت، منافع بعضاً متعارض و مجادله‌برانگیز بودن ارزیابی‌های به‌ویژه کیفی، اجرا یا عدم اجرا قانون رویه‌ای مناقشه‌برانگیز و اختلافی به‌ویژه بین قوه مقننه و قوه مجریه است. تقریباً در همه نظام‌های سیاسی، به دلایل مختلف و مهمتر از همه خصوصیت کار اجرایی، منابع و بانک‌های اطلاعاتی در اختیار مقامات و نهادهای قوه مجریه است و این قوه است که از توان تهیه آمار و اطلاعات و انتشار آنها برخوردار است.

نابرابری قوا در دسترسی به اطلاعات، قطعاً محدودیت‌هایی را در اعمال صلاحیت‌های تقنینی قوه مقننه از یکسو و فرصت‌هایی را برای اعمال گسترده‌تر و مؤثرتر صلاحیت‌های اجرایی قوه مجریه ازسوی دیگر، ایجاد خواهد کرد. به‌ویژه در عرصه بودجه‌ریزی که یکی از عرصه‌های اصلی رقابت قوای مقننه و مجریه محسوب می‌شود، «مزیت اطلاعاتی» قوه مجریه، ناشی از ارتباط منظم سازمانی با دستگاه‌ها و اشراف نسبی بر مسائل اجرایی است و این فرصت، کارشناسان و مقامات قوه مجریه را قادر می‌سازد درخصوص حدود و کیفیت اطلاعات قابل ارائه به قوه مقننه اعمال نظر کنند.^۱ قوه مجریه از این امکان برخوردار است تا با بهره‌گیری از دسترسی به اطلاعات از طرق مختلف، حتی به تهیه و ارائه اطلاعات جهت‌دار و تأییدکننده دیدگاه‌های دولت اقدام کند و از این طریق، سیاست‌های خود را در شئون اجرایی و تقنینی حاکم نماید.^۲ «افزایش تدریجی ضریب دقت تصمیمات» دولت‌ها یکی از دلایل اصلی کاهش قابل توجه قدرت قوای مقننه و وابستگی روزافزون آنها به منابع اطلاعاتی و متخصصان وابسته به قوه مجریه شمرده شده است.^۳

علاوه بر این، امروزه درخصوص این واقعیت در سراسر جهان اتفاق نظر وجود دارد که قوای مجریه از برتری چشمگیری از لحاظ دسترسی به اطلاعات و کارشناسان بهره می‌برند. وزارتخانه‌ها معمولاً کارکنان خود را از بین متخصصان رشته‌های مربوط برمی‌گزینند. طبیعی است

۱. ر. ک: علی‌اکبر شبیری‌نژاد، حقوق قوه مقننه در بررسی و رأی به بودجه: مبانی نظری و الگوی پیشنهادی، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۷۲.

۲. ویلیام اچ. رابینسون، «کتابخانه‌های پارلمانی: اطلاعات در فرآیند قانونگذاری»، ترجمه ابراهیم یوسفی‌راد، مجلس و پژوهش، سال سیزدهم، شماره پنجاه و چهارم، زمستان ۱۳۸۵، ص ۲۱۷.

3. Kaare Strøm, "Parliamentary Government and Legislative Organization", in Herbert Döring (ed.) *Parliament and Majority Rule in Western Europe*, Mannheim, University of Mannheim, 1996, pp. 57-58.



این متخصصان، اعضای قوه مقننه را در موضوع تخصصی خود افرادی ناآگاه می‌دانند که قادر به وقوف بر مسائل فنی و پیچیده نیستند. چنان‌که مزی می‌نویسد، «یکی از دلایل ... تسلط قوه مجریه بر قوه مقننه این است که قوه مقننه فاقد توان رقابت با متخصصان سیاستگذاری و بوروکرات‌هایی است که در قوه مجریه خدمت می‌کنند. در مقایسه با متخصصان قوه مجریه، کارمندان و نمایندگان پارلمان در بهترین وضعیت، کارشناسان عادی و ساده‌ای هستند که فقط اطلاعاتی کلی در حوزه‌های مختلف سیاستگذاری دارند»^۱.

این دلیل، پدیدآورنده وضعیتی است که انحصار تولید آمارها و اطلاعات و همچنین در دسترس قرار دادن و انتشار آنها با قوه مجریه باشد. این ابتکار عمل فوق‌العاده مهم، طبعاً ارزیابی عملکردهای دولت و همچنین ارزیابی اجرای قانون را با دشواری مواجه می‌کند؛ چرا که نهاد یا مقام ناظر (در اینجا نمایندگان مجلس) به ناچار وابسته به آمار و اطلاعات تولید و منتشر شده توسط مقام یا نهاد نظارت‌شونده (در اینجا مقامات دولتی و دستگاه‌های وابسته به قوه مجریه) هستند، اما چنان‌که گفته شد، این وضعیت، اجتناب‌ناپذیر است.

۳-۴. نمونه‌ای از ضرورت دسترسی به منابع اطلاعاتی برای ارزیابی اجرای قانون

فرض کنید ارزیابی اجرای قانون «ارتقای کیفی تولید خودرو و سایر تولیدات صنعتی داخلی» (مصوب ۱۳۸۹/۲/۲۶) را در دستور کار داریم. این قانون مختصر (مشمول بر ۴ ماده) تکالیفی را به شرح مندرج در جدول ۶، فقط برای دولت در نظر گرفته است.

۱. مایکل مزی، «روابط قوه مقننه و مجریه»، در: وکیلیان، پیشین، ص ۱۳۶.

جدول ۶. تکالیف مندرج در قانون ارتقای کیفی تولید خودرو و سایر تولیدات صنعتی
مصوب ۱۳۸۹/۲/۲۶ برای دولت

ردیف	شماره ماده قانون	تکلیف*	مهلت انجام	دستگاه یا دستگاه‌های ذیربط
۱	۱	تهیه «برنامه و سیاست‌های مرتبط با ارتقای کیفیت تولید خودرو، کاهش مصرف سوخت، اجرای کامل استانداردهای اجباری پنجاهویک گانه و استانداردهای مورد نیاز قطعه‌سازی، استانداردهای ایمنی و آلاینده‌گی و همچنین رقابت‌پذیر نمودن و توسعه شبکه و کیفیت خدمات پس از فروش» و تصویب و ابلاغ آن به کلیه خودروسازان و مراکز ذیربط	سه ماه پس از تصویب	هیئت‌وزیران و وزارت صنعت، معدن و تجارت (وزارت صنایع و معادن سابق)
۲	۲	اعمال استانداردهای موضوع ماده (۱) از طریق مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران	-	وزارت صنعت، معدن و تجارت (وزارت صنایع و معادن سابق)
۳	تبصره «۱» ماده (۲)	به تأیید رساندن کلیه کالاهای صنعتی و وارداتی توسط مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی	یک سال	دولت
۴	۴	تعیین تعرفه واردات خودرو و کلیه اقلام غیرضروری و کالاهای تشریفاتی به‌گونه‌ای که تولیدات و اشتغال داخلی آسیب نبیند و از خروج ارز جلوگیری شود	-	دولت
۵	تبصره «۲» ماده (۴)	ارائه گزارش اجرای قانون هر سه ماه یکبار به کمیسیون‌های صنایع و معادن و اقتصادی مجلس	-	وزارت صنعت، معدن و تجارت (وزارت صنایع و معادن سابق)

* عبارتهایی که در این ستون آمده است، با استفاده از عبارتهای مندرج در متن قانون ذکر شده است.

چنان‌که در جدول قابل مشاهده است، در متن یک صفحه‌ای قانون مورد بررسی، تکالیف متعددی برعهده دولت نهاده شده است. آیین‌نامه اجرایی این قانون نیز در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۱۴ به تصویب رسید (و در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۶ اصلاح شد)، تکالیف مذکور را به‌نحو جزئی‌تر برای وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مرتبط در قالب ۱۱ ماده برشمرده است.

مروری بر تکالیف مندرج در ماده (۱) قانون مورد بررسی (ردیف شماره ۱ جدول ۶) حاکی از تنوع و گستردگی تکالیف مذکور است. تهیه و تصویب «برنامه و سیاست‌های مرتبط با ارتقای کیفیت تولید خودرو» و سایر موارد، نیازمند هماهنگی‌ها و تلاش‌های فراوان در همه سطوح و نهادهای مرتبط با خودرو است. به‌عنوان نمونه، فقط شرکت‌های زیرمجموعه ایران خودرو، چنان‌که در سایت رسمی ایران خودرو درج شده است،^۱ به شرح زیر قابل ذکر است:

۱. قابل دسترس در آدرس زیر:



۱. ایران خودرو خراسان،
 ۲. ایران خودرو دیزل،
 ۳. ایران خودرو شمال غرب،
 ۴. ایران خودرو فارس،
 ۵. ایران خودرو مازندران،
 ۶. ایران خودرو کرمانشاه،
 ۷. ایران فاوا گسترش،
 ۸. ایران خودرو تبریز،
 ۹. بازرگانی ایران خودرو شمال غرب،
 ۱۰. بانک پارسیان،
 ۱۱. تام ایران خودرو،
 ۱۲. تعاونی اعتبار کارکنان گروه صنعتی ایران خودرو،
 ۱۳. تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو،
 ۱۴. تهیه و توزیع قطعات و لوازم یدکی ایران خودرو (ایساکو)،
 ۱۵. دفتر چین (شان دانگ بانگ من)،
 ۱۶. سرمایه‌گذاری سمند،
 ۱۷. سمند بلاروس (یونیسان)،
 ۱۸. سمند ونزوئلا،
 ۱۹. شبکه مبادلات غیربورسی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران،
 ۲۰. شرکت خودروهای سفارشی ایران خودرو (آپکو)،
 ۲۱. شرکت‌های صنعتی ایران خودرو،
 ۲۲. طراحی، مهندسی و تأمین قطعات ایران خودرو (ساپکو)،
 ۲۳. گروه صنعتی قطعات اتومبیل ایران (پاپکو)،
 ۲۴. گسترش سرمایه‌گذاری ایران خودرو،
 ۲۵. مهندسی خدمات صنعتی ایران خودرو (ایسیکو)،
 ۲۶. مؤسسه فرهنگی ورزشی ایران خودرو.
- طبعاً اجرا یا عدم اجرای ماده (۱) قانون مورد بررسی، با اطلاع از تصویب یا عدم تصویب «برنامه» و «سیاست‌ها»ی مربوط در هیئت‌وزیران، امری شدنی است؛ از این منظر دولت می‌تواند حتی با تصویب یک «برنامه» یا «سیاست» و ابلاغ آن به کلیه خودروسازان و مراکز ذیربط، مدعی

اجرای حکم ماده (۱) قانون مذکور باشد؛ اما آیا در واقع می‌توان اقدام گفته شده را مصداق عمل حکم قانونگذار دانست؟ به نظر می‌رسد آنچه در ماده (۱) به دولت تکلیف شده، برخلاف مدت‌زمان حدود سه‌ماهه برای انجام آن، نیازمند هماهنگی‌ها و کوشش‌های بلندمدت نهادهای متعدد زیربند است که، صرفاً از بخشی از آنها نام برده شد.

با فرض اینکه ارزیابی اجرای ماده (۱) قانون مورد بررسی مستلزم اعمالی بیش از صرف تصویب برنامه یا سند خاصی باشد، باید به مسئله توجه کرد که چنان‌که قانونگذار بخواهد نه اجرا یا عدم اجرای کلی، بلکه نحوه یا میزان اجرای ماده قانونی مذکور را ارزیابی کند، چه ابزاری در اختیار دارد. چنین ارزیابی‌ای، نیازمند دسترسی به منابع اطلاعاتی است و داده‌های آماری است که صرفاً در اختیار نهادهای مربوط است. در این وضعیت است که ارزیابی اجرای قانون - به معنای مورد نظر ما - با مانعی جدی و سترگ مواجه می‌شود.

۴-۴. راهکارهای مجلس برای تأمین اطلاعات به‌نحو مستقل از دولت

به نحوی که گفته شد، قوه مقننه برای ارزیابی مؤثر اجرای قانون توسط قوه مجریه، نیازمند دسترسی به آمارها و اطلاعاتی مستقل از آمارها و اطلاعات دولتی است؛ گرچه بی‌شک مهمترین منبع برای این ارزیابی، گزارش عملکردهای تهیه و منتشر شده توسط دستگاه‌ها و گزارش عملکردهای ارائه شده توسط دولت به کمیسیون‌های پارلمانی است، اما این امکان نیز برای مجلس وجود دارد که برای ارزیابی اجرای قوانین، به منابع موازی و رقیبی سوای منابع دولتی تکیه کند. مستندسازی نظارت بر اجرای قانون به منابع موازی و رقیب منابع، بانک‌های اطلاعاتی و گزارش‌های عملکرد دولتی، واجد این مزیت است که امکان مقایسه و راستی‌آزمایی گزارش‌های دولت در اجرای قانون را برای قوه مقننه مهیا می‌کند.

روش‌های متعددی برای کسب اطلاعات در پارلمان‌های کشورهای مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این راهکارها به دو دسته غیررسمی و رسمی قابل دسته‌بندی است.^۱ راهکارهای غیررسمی عبارتند از:

- کسب و جمع‌آوری اطلاعات از حوزه‌های انتخابیه،

- شبکه ارتباط شخصی نماینده،

- استفاده از قابلیت‌های احزاب و گروه‌های سیاسی متبوع نماینده،

راهکارهای رسمی عبارتند از:

- سؤال از عالی‌ترین مقامات اجرایی،

۱. وکیلان، پیشین، صص ۳۴۷-۳۵۹.



- تحقیق و تفحص،

- کمیسیون‌های تخصصی پارلمانی،

- تأسیس نهادهای تخصصی نظارتی.

برای نمونه، در فرانسه، طبق ماده (۱۴۵) آیین‌نامه داخلی مجلس ملی، کمیسیون‌های دائمی می‌توانند به برخی از اعضای خود برای کسب اطلاعات مأموریت دهند. در ماده مذکور تأکید شده است که موضوع این مأموریت، می‌تواند برای کسب اطلاع از نحوه اجرای قوانین باشد. همچنین در ماده (۲۱) آیین‌نامه داخلی سنا، مفاد مشابهی قید شده است.^۱

در نمونه دیگر در کشور برزیل، شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات و منابع اطلاعاتی قوه مجریه به شیوه‌های زیر است:^۲

- دعوت یا احضار مقامات قوه مجریه و درخواست اطلاعات از مقامات قوه مجریه،

- کسب اطلاعات از طریق دیوان محاسبات فدرال،

- برگزاری جلسات استماع عمومی،

- نظارت از طریق دفتر بازرسی پارلمانی،^۳

- اطلاعات ارسال شده توسط شهروندان به نمایندگان.

به‌طور کلی می‌توان گفت ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری مستلزم ترکیبی از اطلاعات موجود و اطلاعات خاصی راجع به تأثیرات خرد^۴ پیشنهادهای وضع مقررات از لحاظ هزینه‌ها و منافع است. این امر بدین معناست که روش‌های خاصی برای گردآوری اطلاعات اصلی، خواه روش‌های رسمی، مانند روش‌های آماری و خواه روش‌های غیررسمی، مانند مشورت عمومی، ضرورت دارد.^۵ چنان‌که در روش‌های بیان شده در نظام‌های قانونگذاری فرانسه و برزیل قابل مشاهده است، اعضای قوه مقننه تلاش می‌کنند با استفاده از ترکیب اطلاعات یاد شده، ارزیابی تأثیرات را بهبود دهند.

بدیهی است که ارزش آماری و قابلیت اتکای منابع اطلاعاتی برشمرد شده شاید به اندازه منابع اطلاعاتی بانک‌ها بعضاً جامع اطلاعاتی دولتی نباشد؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که نخست، قوه مقننه از تکیه مطلق بر منابع اطلاعاتی دولتی رهایی می‌یابد و دوم، آمارها و گزارش‌های دریافتی از نهادهای متعدد می‌تواند برای تهیه و تدوین گزارش‌های عملکرد دولت در اجرای قوانین و بررسی دقیق‌تر گزارش‌های دولت در این زمینه مفید واقع شود.

۱. محمدحسین زارعی، مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، صص ۲۲۱-۲۲۲.

۲. محمدحسین زارعی، نقش کمیسیون‌های داخلی در نظارت پارلمانی (مطالعه تطبیقی)، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای

اسلامی، ۱۳۸۹، صص ۱۰۵-۱۰۳.

3. Parliamentary Ombudsman's Office

4. Micro-Impacts

5. Jacobs, op. cit.

۴-۵. راهکارهایی برای ارزیابی بهتر اجرای قانون

در این قسمت پایانی نوشتار، به طرح نکاتی درخصوص این سؤال خواهیم پرداخت که در وضعیت موجود (یعنی انحصار منابع اطلاعاتی قابل اتکا در دست نهادهای دولتی) و با توجه به این واقعیت که ارزیابی اجرای قانون، مستلزم در اختیار داشتن آمار و منابع اطلاعاتی است که تا حدی به نحو مستقل استخراج شده باشد، چه راهکاری را می‌توان برای بهبود ارزیابی اجرای قانون ارائه داد.

۴-۵-۱. تشکیل نهادی در قوه مقننه برای طراحی و اجرای ارزیابی تأثیرات قوانین

در این نوشتار تلاش شد اهمیت ارزیابی تأثیرات قانون به‌طور کلی و ارزیابی اجرای قانون به‌طور خاص، توضیح داده شود، اما قطعاً این رویه نیز همچون دیگر رویه‌ها، برای اجرایی شدن مستلزم نهادسازی است. چنان‌که پارکر و کرکپاتریک تأکید کرده‌اند «نخستین گام در یک کشور درحال توسعه ایجاد یک نظام مدیریت مقرراتگذاری است».^۱ اجزای این نظام عبارتند از:

۱. آگاهی و اراده مقامات عالی حکومت درخصوص ضرورت اعمال ارزیابی تأثیرات قانون و همچنین آگاهی و اراده نمایندگان مجلس به ضرورت ارزیابی اجرای قانون به‌طور خاص،
۲. تأسیس نهادی برای انجام این کارکرد در قوه مجریه یا قوه مقننه یا هر دو،
۳. وجهه قانونی دادن به اعمال انواع ارزیابی مقرراتگذاری با تصویب قانون توسط پارلمان یا آیین‌نامه توسط هیئت‌وزیران،

۴. برخورداری نهاد مسئول ارزیابی تأثیرات قانون از متصدیان، متخصصان، امکانات و منابع لازم.^۲

چنان‌که از چهار مورد گفته شده برمی‌آید، تصمیم‌گیری راجع به تأسیس واحدهای مربوط به انواع ارزیابی‌های تأثیرات قانون در هر یک از قوای حکومتی، منوط به اوضاع و احوال خاص هر نظام سیاسی و حقوق اساسی است؛ اما تردیدی نیست که نهاد ارزیابی‌کننده اجرای قانون که در واقع نهاد ناظر محسوب می‌شود، باید در قوه مقننه و زیر نظر قوه مقننه انجام وظیفه کند. گرچه شاید بتوان گفت مناسب‌تر است نهادهای مربوط به ارزیابی تأثیرات پیشینی قانون - که به اختصار در این نوشتار درخصوص آنها مباحثی مطرح شد - در قوه مجریه و زیر نظر قوه مجریه تشکیل شده و فعالیت کنند. مهمترین دلیل چنین توصیه‌ای اهمیت کیفیت لوایح ارسالی از جانب قوه مجریه بر قوه مقننه است.

نکته دیگر اینکه مشارکت و همکاری مؤثر قوه مجریه با نهاد ارزیابی‌کننده اجرای قانون در قوه مقننه، شرط ضروری توفیق این نوع ارزیابی است. به‌ویژه اینکه چنان‌که گفته شد، دستکم تا طراحی

۱. دیوید پارکر و کالین کرکپاتریک، «ارزیابی پیامدهای مقرراتگذاری در کشورهای درحال توسعه»، ترجمه مسعود فریادی، *اطلاعرسانی حقوقی*، شماره‌های ۱۷ و ۱۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص ۱۱۶.

۲. همان، صص ۱۱۶-۱۱۸.



نظام آماری قابل اتکا و موثق، مجلس به لحاظ اطلاعاتی نیازمند یاری دولت است. نکته آخر اینکه تأسیس واحد ارزیابی اجرای قوانین نیازمند همدلی و همکاری نهادهای متعدد وابسته به مجلس شورای اسلامی، از جمله معاونت نظارت مجلس شورای اسلامی و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است. تصمیم‌گیری راجع به اینکه چنین نهادی در کدام یک از سازمان‌های زیر نظر قوه مقننه تشکیل شده و همچنین کیفیت سازمانی و ساختاری آن، مستلزم تصمیم قانونگذاران در بالاترین سطح ممکن، یعنی اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی است.

۲-۵-۴. پیگیری طراحی و اجرای نظام آماری

به نظر می‌رسد راهکار کوتاه‌مدت و بسیار مؤثر برای ارزیابی اجرای قانون، الزام دولت به طراحی و اجرای نظام آماری مطلوب و منطبق با معیارهایی است که برای یک نظام آماری مطلوب شرح و بسط داده شده است. «نظام آماری» چنین تعریف شده است: «مجموعه دستگاه‌ها و نهادهای درگیر در فعالیت‌های آماری، وظایف و فعالیت‌های هر یک از اجزا، نظام، روابط درونی و بیرونی آنها با یکدیگر، اصول، قوانین و مقررات حاکم بر وظایف و روابط مزبور».^۱ طبعاً نهادهای متعدد دولتی برای انجام وظایف سازمانی خود، نیازمند آمار و اطلاعات موثق هستند؛ اما این آمار و اطلاعات برای گزارش عملکرد به نهادهای نظارتی (چه درون‌قوه‌ای و چه برون‌قوه‌ای) نیز به‌کار گرفته می‌شود. گزارش عملکرد اجرای هر قانون نیز قطعاً منکی بر اطلاعات و آمار تهیه و تدوین شده طی این فرآیند است. نکته‌ای که باید بر آن تأکید کرد این است که اگر بتوان دستگاه‌های زیرمجموعه قوه مجریه و مسئول تهیه آمار و اطلاعات را به سوی بهبود نظام آماری سوق داد، می‌توان از اطلاعات و آمار تهیه شده و منطبق با استانداردهای نظام آماری مطلوب برای ارزیابی اجرای قانون نیز بهره برد.^۲

محورهای الزامات نظام آماری مطلوب را می‌توان به این شرح خلاصه کرد:

۱. کارآیی

۱. قسمتی از ماده (۱) پیش‌نویس برنامه پنج‌ساله آمار (۱۳۸۹-۱۳۹۲)، که توسط مرکز آمار در ایران، وابسته به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، تهیه شده است. این پیش‌نویس در آدرس زیر قابل دسترس است:

<http://old.amar.org.ir/shoraamar/d-etault-3405.aspx>

۲. مهمترین دستگاه‌های مرتبط با نظام آماری کشور به شرح زیر قابل ذکر هستند: شورای عالی آمار؛ مرکز آمار ایران؛ بانک مرکزی؛ وزارت کار و امور اجتماعی؛ وزارت کشاورزی؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ وزارت صنعت، معدن و تجارت؛ سازمان ثبت احوال کشور؛ معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رئیس‌جمهور؛ وزارت آموزش و پرورش؛ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. ر. ک.: افشین حیدرپور، «درباره نظام آماری کشور (چالش‌ها و راهکارها)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (دفتر مطالعات اقتصادی)، شماره مسلسل ۱۰۴۹۵، آبان‌ماه ۱۳۸۹، صص ۳-۱۰.

همچنین برای مطالعه بیشتر، ر. ک.: محمدرضا لعلی، «بررسی نظام آماری و عملکرد اولین برنامه ملی آمار کشور»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (دفتر مطالعات برنامه و بودجه)، شماره مسلسل ۹۱۰۳، مردادماه ۱۳۸۷.

- صحت آمارها،
- تکیه بر قانونمندی‌ها و قواعد پذیرفته شده علمی و بین‌المللی،
- برخورداری از استانداردهای شفاف‌سازی،
- وجود آمارهای نسل جدید،
- هماهنگی ضوابط کاربردی برای تعریف مفاهیم مشترک،
- عملکرد حرفه‌ای با تکیه بر نیروی حرفه‌ای آماری و مدیریتی،
- عدم ایجاد منافع درونی در مورد آمارهای گردآوری شده توسط سازمان‌ها،
- وجود فعال سازمان حرفه‌ای و تخصصی برای ممیزی آمارها و رسیدگی به مشکلات و اختلافات مربوط به آمارها.

۲. به‌هنگام بودن

۲. قرار دادن آمارهای در دسترس عموم

۴. محور بهینه‌سازی هزینه‌های تدوین و گردآوری آمار^۱

بدین ترتیب، با طراحی و بهینه‌سازی نظام آماری در راستای معیارهای نظام مطلوب آماری، می‌توان شاهد کارآیی بیشتر دولت در اجرای تکالیف قانونی از یکسو و عملکرد دقیق‌تر و مؤثرتر مجلس در نظارت و ارزیابی اجرای قوانین توسط دولت ازسوی دیگر، بود. بر همین مبنا، در بند «ب» ماده (۵۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵)، مرکز آمار ایران حداکثر ظرف سال اول برنامه موظف شده است با همکاری دستگاه‌های اجرایی «نسبت به تهیه برنامه ملی آماری کشور مبتنی بر فناوری‌های نوین با رعایت استانداردها و ضوابط تولید و انتشار آمارهای رسمی، استقرار نظام‌های آمارهای ثبتي و استقرار و تغذیه مستمر پایگاه اطلاعات آماری کشور اقدام نماید...». ضروری است اکنون که این فرصت به پایان رسیده است، تهیه برنامه موضوع این قانون و اجرای آن توسط مجلس از راهکارهای مقتضی پیگیری شود. در صورت تدوین و اجرای «برنامه ملی آماری کشور»، می‌توان به رفع بسیاری از خلأها و موانع موجود در جهت نظارت مؤثر و اصولی مجلس شورای اسلامی درخصوص اجرای قوانین توسط دولت امیدوار بود.

۱. حیدرپور، پیشین، صص ۱۰-۱۵.



۱. پارکر، دیوید و کالین کرکپاتریک. ارزیابی پیامدهای مقرراتگذاری در کشورهای درحال توسعه، ترجمه مسعود فریادی، *اطلاعرسانی حقوقی*، شماره‌های ۱۷ و ۱۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
۲. حیدرپور، افشین. درباره نظام آماری کشور (چالش‌ها و راهکارها)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (دفتر مطالعات اقتصادی)، شماره مسلسل ۱۰۴۹۵، آبان‌ماه ۱۳۸۹.
۳. رایبسون، کالین و آیلین، مارشال. مقرراتگذاری در حوزه انرژی، ترجمه سعید عطار، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل ۱۲۴۱۳، خردادماه ۱۳۹۱.
۴. رایبسون، ویلیام اچ. کتابخانه‌های پارلمانی: اطلاعات در فرآیند قانونگذاری، ترجمه ابراهیم یوسفی‌راد، *مجلس و پژوهش*، سال سیزدهم، شماره پنجاه و چهارم، زمستان ۱۳۸۵.
۵. زارعی، محمدحسین. *مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.
۶. زارعی، محمدحسین. *نقش کمیسیون‌های داخلی در نظارت پارلمانی (مطالعه تطبیقی)*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۷. شبیری‌نژاد، علی‌اکبر. *حقوق قوه مقننه در بررسی و رأی به بودجه: مبانی نظری و الگوی پیشنهادی*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶.
۸. فریادی، مسعود. *سازوکارهای حقوقی ارزیابی آثار مقرراتگذاری در نظام حقوقی ایران*، تهران، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، اداره کل پژوهش و اطلاعرسانی، ۱۳۸۹.
۹. فلورز، ایمر بی. در جستجوی فلسفه قانونگذاری: مشروطه‌خواهی / قانونگرایی، حسن و کیلیان (تألیف و ترجمه)، *گفتارهایی در قانون و قانونگذاری*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۰. کرکپاتریک، کالین. اصول ارزیابی تأثیرات مقرراتگذاری و رهنمودهایی برای اجرای مطلوب آن، ترجمه مسعود فریادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)، شماره مسلسل ۱۲۴۰۱، خردادماه ۱۳۹۱.
۱۱. مدر، لوئیس. ارزیابی تأثیرات: به سوی ارتقای کیفی قانونگذاری، *گفتارهایی در قانون و قانونگذاری*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۲. مرکزالمیری، احمد. «تأثیرات کمیّت و کیفیت مقررات بر محیط کسب‌وکار، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (گروه مطالعات محیط کسب‌وکار)»، شماره مسلسل ۱۲۳۱۳، اسفندماه ۱۳۹۰.
۱۳. مزی، مایکل. روابط قوه مقننه و مجریه، *گفتارهایی در قانون و قانونگذاری*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۴. مویل، کوئن جی. ارتقای کارآمدی رویه‌های تقنینی پارلمان، *گفتارهایی در قانون و قانونگذاری*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۵. وکیلان، حسن. راهکارهای اعمال نظارت بر اجرای قوانین، *گفتارهایی در قانون و قانونگذاری*، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، صص ۳۴۱-۳۶۰.
16. Jacobs, Scott H., "Current Trends in the Process and Methods of Regulatory Impact Assessment: Mainstreaming RIA into Policy Processes", in Kirkpatrick, Colin and Parker, David (eds.), *Regulatory Impact Assessment: Towards Better Regulation?*, Northampton, Edward Elgar, 2007.

17. Keeler, Theodore E. and Foreman, Stephen E. "Regulation and Deregulation", in Peter Newman (ed.), *The New Palgrave Dictionary of Economics and the Law*, Vol. 3, London, Macmillan, 1998.
18. Oliver, Dawn and Others, "Mode of Scrutiny", in Giddings, Philip (ed.), *The Future of Parliament*, London, Palgrave Macmillan, 2005.
19. Strøm, Kaare, "Parliamentary Government and Legislative Organization", in Döring, Herbert (ed.) *Parliament and Majority Rule in Western Europe*, Mannheim, University of Mannheim, 1996.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۲۴۵۰

عنوان گزارش: آسیب‌شناسی ارزیابی اجرای قانون بررسی موردی ارزیابی‌های انجام شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در دوره هشتم

نام دفتر: گروه مطالعات محیط کسب‌وکار

تهیه و تدوین: احمد مرکزالمیری

ناظر علمی: سیدامیر سیاح

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. ارزیابی تأثیرات مقررات‌گذاری

۲. ارزیابی تأثیرات قانون

۳. محیط کسب‌وکار

۴. نظارت

۵. اجرای قانون

۶. قانونگذاری

۷. روابط قوا

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۴/۲۶